ستاره سینما

عکس هفته

روسانا پودستا

ستاره زیبای فیلم

«زیبایان عالم»

فانوس

تبریك

انتصاب همکار ودوست گرامی ما آقای سیامك پورزند را بسردبیری مجله «مهرایران» تبریك میگوئیم وامیدواریم که ایشاندر کارجدید و برارزش خویش به پیشرفتهای بیشتری نائل آیند

انتشار مجله «آشنا»

هفته گذشته نخستین شماره مجله ماهیانه سینمائی «آشنا» منتشر گردید ، باذوق و ابتکاری که درتهیه مطالب این مجله بکاررفته است انتظار میرود درآینده موفقیت‌های بهتر وبیشتری نصیب گردانندگان و نویسندگان آن گردد

محصول شرکت ایران و ایتالیا!

بطوریکه سرویس اطلاعات استودیو «آژیر فیلم» اطلاع میدهد قراراست درآینده (تقریبا نزدیك!) فیلمی بامشارکت استودیو لوکس فیلم) ایتالیا و (آژیر فیلم) ایران تهیه‌شود ، سناریو وهنرپیشگان و اصولا کادر فنی فیلم هنوز معلوم نشده‌اند ولی بقرار اطلاع معلوم خواهندشد!

ضمنا ۲ نفر هنرپیشه و ٤ نفر کارمند مخصوص استودیو قراراست برای شرکت درفستیوال کان وضمنا مذاکره با مسئولین لوکس فیلم عازم اروپا شوند .

درهرصورت مثل اینکه «آژیر فیلم» دارد قدمهای مثبتی درراه پیشرفت سینما درایران برمیدارد و ما امیدواریم اخبار سرویس اطلاعات استودیو بحقیقت بپیوندند

درباره پروفسور سوسول!

طبق خبرهفته گذشته‌ما قرار بود پروفسور سوسول‌ودار و دسته‌اش برای نمایش عازم آبادان شوندولی گویا استقبال شبهای آخر مانع مسافرتشان شده و نمایش پیس مزبور برای مدت٦روز تمدیدشد

و ازامروز نمایش « ماری دوگان» بروی صحنه خواهد آمد ولی بشرط اینکه مجددا پروفسور سوسول تمدید نشود!

«سینمای ملی ایران» هم «سینما سکوپ» تهیه میکند

البته بدون اینکه نظر توهین داشته باشیم مسلما شماهم قبول دارید که فیلم‌های ایرانی هنوزدرچه مرحله تشریف‌دارند بنابراین خبر تهیه فیلم بطریق «سینما سکوپ» خیلی با حسن استقبال شما مواجه نخواهدشد وبواشکی خواهیدفرمود «هنوزغوره نشده مویز شدیم!» ..البته فرمایش شما از نظر کلی صحیح است ولی اگر کار بوسیله کاردان انجام شود اشکالی ندارد چنانچه تماشای اولین فیلم سیناماسکوپ ایرانی که توسط کارکنان استودیو سانترال از مراسم رژه بیست ویکم آذرتهیه گردیده ، این مدعی را ثابت میکند... فیلم مذکور که‌هم اکنون درجزو اخبار سینماها نشان داده میشود باذوق وعلاقمندی فیلمبرداری وتهیه‌شده و بادرنظر گرفتن قدم‌اول کارخوبی ازآب درآمده است‌ولی البته بایستی توجه داشته باشندکه احتیاج بمطالعه بیشتردارندوضمنا انشاءالله باوسائلی کـه استودیـو سانترال برای‌تـهیه سینما سکوپ واردکرده ، تهیه کنندگان دوصدو تهیه فیلم‌های درام، جنائی، عشقی، تاریخی ،کوبیسم وفانتزی و...به طریق سینما سکوپ برتیـابند و اجازه بفرمایند مدتـی همینطـور کارهای آزمایشی انجام شود تـا آمادگی حاصل گردد.

ملك مطیعی «قاچاقچی !»

ناصرخان مدتها بود که فعالیت سینمائی نداشت تااین که بالاخره بنابدعوت پارس فیلم فعالیت نوینی را شروع خواهدکرد وانشاءالله به مبارکی «قاچاقچی» خواهندبود، داستان این فیلم‌را رحیم روشنیان هنرپیشه باسابقه تنظیم کـرده و موضوع آن‌را ازنظر کلی میتوان ازاسم مبارك فیلم حدس زد... بنا براطلاع دکتر کوشان کارگردانی فیلم راانجام خواهد داد.

جعفری سخت درفعالیت !

ازچندروزقبل نمایشنامه «مکافات» کارجدید جعفری در تآتر پارس بصحنه آمد وبا اینکه بدین ترتیب سخت گرفتار است بخصوص اینکه مرتباد‌راستودیو آژیر مشغول کار تهیه فیلم آب‌حوضی میباشد ، اما نمایشنامه جدیدی‌را در نظر گرفته که گویا بشرین آن‌مشغول‌شده‌اند، این نمایشنامه که حدس میزنیم بلافاصله بعدازنمایش «مکافات» بصحنه خواهد آمد « آتش زیر خاکستر» نام دارد توضیح آنکه بافیلم «آتش‌زیرخاکستر » ربطی ندارد و خانم ریتاهیورث وآقای رابرت‌میچم هم در آن « کلاه‌ای نیستند» ضمنا برای اینکه دیگر نفرمائید بایکدست دوهندوانه نمی‌شود برداشت بعرض می‌رسدکه هندوانه‌سهل‌است‌زیرا آقای جعفری تصمیم‌بتهیه فیلم‌ازنمایشنامه‌سرگذشت راهم‌دارد که گویا در این‌مورد مشغول مذاکرات سری هستند .. بااین ترتیب‌باید‌بآقای « محمدعلی جعفری» گفت«خداقوت» البته‌بشرط اینکه‌دسترسی بآقا حاصل‌باشد .

سینماهای جدید

تادوسه ماه دیگر بـه ترتیب سینماهای جدیدی درنقاط مختلف تهران افتتاح خواهند شد .

ازجمله سینماهای‌جدیدالتاسیس یکی سینمائی است جنب سینمای سعدی که بنام (حافظ) نامگذاری شده‌است . این سینما ازمحصولات (لوکس فیلم) ایتالیا وبرخی فیلم‌های دیگر استفاده خواهدنمود. (سینمای نیاگارا) واقع در خیابان شاه چهارراه کاخ که‌ازجمله بزرگـ ترین سینماهای پـایتخت بشمار خواهد رفت تاسه‌ماه دیگر گشایش خواهدیافت وفیلمهـای کمپانی پارامونت رابروی پرده خواهـد آورد شنیده میشودبرنامه‌افتتاحیه سینمای نیاگارا فیلم ویستاویـژن ورنگی (مقلد) با شرکت دنی کی خواهد بود. ضمنا سینماهای زیادی دردست‌ساختمان میباشند که‌مهمترین آن‌ها سینمای (کاردن) واقع در خیابان سلسبیل ویك‌سینمای جدید درمیدان ٢٤ اسفندرامیتوان‌دراینجا نامبرد. انتظارمیرود بـاگشایش سینماهای فوق درنمایش فیلمهـای بزرك‌ومعروف پیشرفتی حاصل‌شود

صاحب امتیاز ومدیر
پاپرور گالستیان
باهمکاری
روبرت اکهارت
سال‌چهارم-شماره ١۴١- یکشنبه ١ دی ١٣٣٦
محل‌اداره - خیابان منوچهری پاساژ لعل
تکشماره ١٠ریال - اشتراك سالیانه ٥٠٠ ریال
چاپ‌مصور تلفن٣٥٠٦٥-گراورسازی خواندنیها

روی جاد

ریتاهیورث

آخرین و تازه‌ترین اخبار سینمائی جهان

ناجی واروپك

بنا بقول مجله پیکچر گوئر کمپانی وارورینك که دراین یکی‌دو سال اخیر بامحصولات تجارتی کم وبیش جالب‌خود سروصدائی براه انداخته بود بعلت آنکه در آمریکا و ممالك اروپائی از آثار این کمپانی چندان استقبال نیشده ایروینك الن و آلبرت بروسولی روسای کمپانی تصمیم گرفته بودند شرکت‌خودرا بهم‌زده وبدینوسیله اقلامقدارناچیزی راکه از سرمایه اولیه آنها باقی مانده بود نجات دهند اماویکتورماتیور بااستفاده‌از محبوبیت‌واشتهارخود مردمردانه پیش آمد و نگذاشت‌این‌شرکت که برای «هنر» واقعی سینما زحمت‌میکشد و‌آثاری چون دلاور سیاه‌پوش ، کلاه‌قرمز وپلیس‌بین‌المللی میسازد ورشکست شود .

ماتیور باایروینك‌الن وآلبرت بروسولی قراردادی منعقد کردکه بموجب آن‌در چندفیلم‌سینماسکوپ، رنگی و پرزرق‌وبرق این کمپانی شرکت کند و... تاشاید از درآمد حاصله ازاین آثارتجارتی ومردم پسند این کمپانی سرمایه از دست رفته‌خودرا بدست آورد.

هنرپیشه واقعی

ویکتور کاسن عقیده‌دارد دیانا دورس یك هنرپیشه واقعی است‌این آکتور ایتالیائی که در حال حاضر باتفاق دیانادورس در فیلمی بنام « دختری برپالیو» (پالیو نام‌اسبی است) بازی میکند بقدری تحت تاثیر اخلاق خوب ، زیبائی خیره کننده و نرمی و لطافت هنربازی خود قرارگرفته که بمخبری نویی مخبر مجله پیکچر گوئر چنین گفته است :

من با هنرپیشه های زیادی همبازی بوده‌ام ، هنرپیشگان‌موبور فراوانی‌را درفیلمهای آمریکائی درآغوش گرفته و باغلب‌آکتر-یسنهای موخرمائی ایتالیائی عشقبازی کرده‌ام امامجبورم اعتراف کنم که هنرپیشه واقعی دیانا دورس است . این‌زن می‌تواندمایه‌افتخار صنعت سینمای بریتانیا بشمار رود، این‌زن برخیلی ازاین‌زنان پرافاده وخودخواه‌ایتالیائی که بیهوده‌شهرت عالمگیری پیدا کرده‌اند (و قلب آقای کاسن را شکسته‌اند)رجحان دارد‌ومی تواند سرمشق‌خوبی برای آنها محسوب‌شود و خیلی چیزها بآنها یاد دهد (مثلا خوش‌اخلاقی‌؛ را) دیانادورس بنظر من ازسوفیا لورن‌وجینالولو بریجیدا‌برجسته‌تر» است .

کارگردان جدید

پاندرو برمن تهیه کننده‌معروف کمپانی مترو باآقا و خانم مل‌فرر قراردادی منعقد نموده که بموجب آن‌دوفیلمی بنام « عمارات سبز » شرکت نمایند و درضمن آقای‌فرر کارگردانی آن‌را شخصا اعلام‌ و خانم‌فرر که‌اغلب‌مردم‌اورا بنام اوودری‌هیپبورن میشناسند در این فیلم درنقش دختری بازی خواهد کرد که‌در جنگلی در آمریکای‌جنوبی زندگی مینماید . داستان این فیلم توسط‌دبلیو.هودسن نوشته‌شده‌است «عمارات‌سبز» نخستین‌فیلمی خواهدبود که‌مل‌فرر کارگردانی مینماید.

اخبار باختصار

+ دنی‌دوبین‌در نقش «میبی پینسون» درفیلمی بهمین نام‌بکارگردانی روبرت‌واون بازی‌خواهد کرد ایسن فیلم ورینسون مدون داستان مشهور آلفرددموسه‌میباشد

× جك بوکانان هنرپیشه معروف‌آثار کمدی که چندی پیش اورا در دواکن نمایشات«مشاهده نمودیمو آخرین فیلم‌او«فرانسویان نژاد مضحکی هستند » نام داشت بدرود حیات گفت

+ جورج‌ناور بجای‌جفری‌هانتر برای‌فیلم « اگر من بایه بمیرم » انتخاب شد

+ بندیك بوجر اعلام داشت که‌بزودی ازلوول‌میر وفلاول‌دون موسو به «ازامین بناه» فیلمی تهیه خواهد کرد

× ممکن‌است نقش‌مقابل‌پول براینر‌رادرفیلم«مسافرت» اینگرید برگمن ایفاء نماید.

+ هفته گذشته فیلم برداری «لول عشق» باشرکت‌ادوارد‌بی‌ری و کلن فورد شروع‌شد

دیانا دورس هنرپیشه‌واقعی!

نظری بمحصولات جدید شوروی

بقلم - لیدیا ایلینا

فیلمسازان شوروی همیشه نسبت بسرنوشت متفکرین و میهن پرستان روسی در زمان انقلاب یا بعد از آن علاقه نشان داده‌اند این امر در فیلم‌های نظیر همکاری بالتیک - دانشمند ایوان پاولف - میچورین مطرح شده بود و اینک یک فیلم جدید رنگی بنام «بلکان سرباز» روی پرده سینماهای این کشور می‌آید.

سوژه از راه مشکل و طاقت‌فرسائی گفتگو میکند که یک مهندس با استعداد روسی (بوجین نازژنی) را بسوی انقلاب کشاند. نازژنی کار بر سقف خود را در خارج رها کرد و برای فداکاری در راه عظمت کشورش در روزهای آشفته ۱۹۰۵ بروسیه آمد.

عموم از بلکان علم در دنیائی از حرص و شهوت بنظر می‌آمد که جاه‌سخت و خشنی باشد. در روزهای سیاه و دورانی که غرور سکنت همه جا را فرا گرفته بود «نازژنی» بیاد آرزوها و امیال ایام طفولیت خود افتاد و تصمیم گرفت پایه‌های زندگی جدیدی را باتفاق مردم بنا نهد.

سایر کاراکترهای فیلم عبارتند از همسر نازژنی، بلشایک مختر انقلابی، اسوکولنکو و افسران و مقامات عالیرتبه آلمانی و روسی.

نقش نازژنی توسط اکتور محبوب مردم شوروی دروژنیک اجرا گردیده و کارگردان فیلم اس. ناوروتسکی میباشد.

جشن صدمین سال تولد ایوان فرانکو نویسنده اوکراینی مصادف با آغاز نمایش فیلمی بود که نام این شاعر برای عنوان آن انتخاب شده بود «ایوان فرانکو» توسط «کیف سینما استودیو» تهیه شده و سوژه آن درباره زندگی و کارهای اجتماعی فرانکو و تاثیر آثار او را افکار مردم دور میزند. نقش ایوان فرانکو را سرگئی باندارچوک هنرپیشه معروف فیلمهای تاراس شفچنکو و اتللو ایفاء مینماید.

«تاریخ یاد میدهد» نام فیلمی است که بصورت رنگی توسط استودیو مسفیلم با همکاری بلغارستان در صوفیه تهیه می گردد. سوژه داستان روزهائی است که آلمانیها در زمان قدرت فاشیزم بعد از آتش سوزی معروف پارلمان جوان کمونیستی بنام گئورگی دیمتروف اهل بلغارستان را دستگیر نمودند محاکمه پر سر و صدای لایپزیک که در آن دیمتروف (مدعی علیه) با نطق‌های آتشین خود جریان را بکلی تغییر داد و شخصا (مدعی) شد و قضات دادگاه را متهم بنادرست بودن ساخت از صحنه‌های اساسی و با اهمیت فیلم میباشد.

اس. ساوف اکتور بلغاری نقش دیمتروف و ن. آرسودووا اکتریس بلغاری نقش مادر او را برعهده دارد.

... در استپ‌های معروف مغولستان که تا افق ادامه یافته‌اند گله‌ای از اسبان وحشی در حال چریدن میباشند و گاهگاه با چشمان حیرت زده اطراف را میپایند. دو چوپان از این گله مواظبت مینمایند، یکی از آنها که جوانی سیه‌چرده، بلند و لاغر اندام میباشد آهنگ آشنائی را زمزمه میکند، صدای او کم کم اوج میگیرد و در این فضای وسیع پیش میرود و در آن دورها خاموش میشود...

فیلم موزیکال و رنگی «آهنگ چوپان» بدین نحو آغاز میگردد. این فیلم توسط مسفیلم با راهنمائی‌های هنرمندان مغولستان تهیه میشود. قهرمان فیلم تومن زاد کالوف مانند بسیاری از مردم در آستانه زندگی قادر نیست تصمیم خود را بگیرد و حرفه آینده‌اش را مشخص سازد. او در راه پیش دارد یا باید شغل رام کردن اسب‌های وحشی را انتخاب کند و یا خواننده شود. دوستان و بزرگان او عقیده دارند حیف است چنین صدائی در این استپ‌ها بوجود آید و در همین استپ‌ها خاموش شود، او باید بشهرهای بزرگ رفته و بخواند تا دنیا آواز او را بشنود. تومن رهسپار مسکو می‌شود و در امتحان ورودی کنسرواتوار موزیک موفق میگردد.

نقش تومن توسط هنرپیشه جوان جمهوری مغولستان دالاریسم مانکوف اجرا شده است و نشان داده و چه یک جوان پرشور و با استعداد مانکوف تازه شده بر نوومانس بنظیری ارائه دهد. نقش میسک نامزد او را ویلور جورابایوا برعهده داده و این نخستین فیلم او محسوب می شود. یک زیردریائی روسی بنام «ارکیکا» و یک کشتی فرانسوی بنام «ویکتوار» مغلوب اصطلوی و عظم زیر موروشابی در اقیانوس اطلس و آرام از بین میروند. یوریک زیردریائی جدید ساخت شوروی برای یافتن علت و مطالعه در چگونگی غرقاب کیکا را میسازند و بالاخره موفق میشود در از رو اقیانوس را کشف کند. این فیلم توسط استودیو دکروز یا بیلیه از روی نوول فانتزی - علمی او اسف که در میلیونها خواننده - کان روسی معروفیت زیادی دارد تهیه شده است. سناریو توسط الکس یف دوزکوف و بیپاشویلی تنظیم گردیده و کارگردانی فیلم را پرشیمس امیر انجام داده است. فیلمبردار آن وسوتسکی میباشد و هنرپیشگان عمده عبارتند از استولیاروف، گولوواتف و دژیربیروف.

«دهتر» یک کارگردانی وسکوردیلین کارگردان جوان مسئله تربیت و پرورش فرزندان را مورد گفتگو قرار داده است تیوشی کاچان که قاضی دادگستری است باتفاق همسرش ناتالیا و دختر شانزده ساله آنها سولانا، هنرآموز کلاس بالت و پسر خردسالشان زندگی عائلی آسوده‌ای را میگذرانند. ورود نابهنگام دابرمیرسکی شوهر سابق ناتالیا که چندین سال قبل او و دخترش را ترک کرده بود زندگی آرام این خانواده خوشبخت را دگرگون میسازد.

سناریو «دختر» توسط ن. توب نوشته شده و هنرپیشگان آن عبارتند از دمیتریف (در نقش کاچان) دوبیکووا (ساناتالیا) اکستوف (میرسکی) و راوو سکایا (سولانا).

فیلمسازان شوروی بارها آثار چخوف را مورد استفاده قرار داده‌اند (ملخ - صلیب آنا - عروس سوکلوا).

اینک بار دیگر یکی از داستانهای چخوف بروی پرده می آید. «عروس» محصول استودیو لنفیلم. سوژه درباره زندگی گرفته و اندوهبار ساکنین شهر کوچک دور افتاده‌ای قبل از انقلاب دور میزند. نادیا قهرمان ماجری موجودی است که قادر نیست در این محیط زندگی کند و برای استنشاق هوای آزاد و مطبوع از این شهر خفه و مسرده فرار میکند.

سناریو توسط کوکورف نوشته شده و تهیه کنندگان یکو لین و شرول میباشند. فیلمبرداری توسط گورودنکوف و کالاتوزوف انجام گرفته است. هنرپیشگان عمده عبارتند از ایلینسکایا (در نقش نادیا) بوزیریف (ساشا) دوروخووا (نینا ایوانوونا) باسیلاشویلی (آندری آندریویچ).

آثار نویسنده بزرگ روسیه ماکسیم گورکی نظیر مادر، از پائین، دانشکده‌های من، آرتامانوفها و چلکاش فیلمهای برجسته‌ای را به تاریخ سینمای این کشور بوجود آورده‌اند و اکنون یک فیلم رنگی دیگر باین لیست اضافه میشود «مالوا» اقتباس از یک نوول کوتاه که گورکی آنرا در آخرین سالهای زندگی خود نوشته است.

مالوا یکی از کاراکترهای جذاب گورکی میباشد. ژیسمرا - ویتسر گراکتریس بزرگ سینمای شوروی مالوا را زنی شجاع، آزاد، مغرور و صریح مجسم میسازد که در مقابل دروغگوئیها و اعمال و حیله مردم قهرمانان مقاومت میکند. مالوا داستانی است...

سایر هنرپیشگان فیلم عبارتند از اوسوپچسکو (در نقش واسیلی) بوجتوی (ازو یوسکا) ماکوریف (اسپولکا) ... ... سناریست فیلم گورکی ... ... و ... ... میباشد «مالوا» توسط استودیو کیف ساخته شده است

از: خسرو پرویزی

در دور و بر استودیوهای ایران

غوغای مسافرت ایرن به‌هالیوود چیست؟
ماجرای ژورنالیستی
که‌از مطبوعات دست کشید و بامور سینما پرداخت!

هفته پیش وقتی صفحات یکی ازمجلات راورق میزدم بمطلبی بر خوردم که باآب‌وتاب فراوان ماجرای مسافرت یا بهتر بگویم مهاجرت؛ ایرن به‌هالیوود رامنتشر ساخته بود. نشریه مذکورو یکی دو جریده دیگردرآن هفته بنحو بی سابقه‌ای اظهارعقیده میکردند که یك موسسه سینمائی واقع درآمریکا ازایرن دعوت بعمل آورده تابرای شرکت درفیلم‌های هالیوود بآن کشورعزیمت نماید.

این خبر برای حقیرتااندازه‌ای جالب بنظر آمد وهمان لحظه تصمیم گرفتم باوجودیکه باماسینما بنویسها میانه‌زیاد خوبی ندارد! باخود ایرن دراینمورد تماس بگیرم واطلاعاتی ازاین بابت کسب کنم.

نتیجتا پس ازراهنمائی چند شخص مطلع معلوم شدکه فعلا محل کنونی این‌خانم دراستودیو آژیر است وگویا اخیرا مشغول دوبله چندفیلم دراستودیوی مذکور شده است.

فردای آن روزسینه کش راه آژیرفیلم را درپیش گرفتم. بمجرد ورود صدا های عجیب وغریبی که بی شباهت بغلغله حمام زنانه نبود بگوشم رسید. معلوم بود این همه سروصدا ازطبقه زیرین است.

بلافاصله ازپلکان سرازیر شده وارد کریدور گشتم. جان‌شما مختصر کیرا یابود عده‌ای از دوبلرها بجان‌هم افتاده بودند وباصطلاح تفریح میکردند کیانی لزگی می‌رقصید، کاوس دوستدار ادا و اطواردرمیآورد ومرادی جفتك میانداخت:

خانم‌های مهرزاد وایرن هم درگوشه‌ای بتماشا مشغول بودند. مدنی که سمت سرپرستی دوبلاژ استودیورا بعهده دارد درگوشه‌ای ایستاده وسیگاردود میکرد.

خلاصه پس ازسلام وعلیك، اهل بیت منظورم رابایرن فهماندم و ایشان نیزازاین موقعیت استفاده نموده باتفاق دراتاق صدابرداری گفتگورا شروع کردیم.

درآغاز کلام گفتم همانطوری که‌خودتان اطلاع‌دارید دریکی دد مجله‌ماجرای مسافرت شما برای شرکت درفیلم‌های هالیوود منتشر شده‌روی این‌اصل میخواستم دراین باب‌ازشما اطلاعاتی کسب کنم.

وی گفت من برای ادای توضیحات حاضرم. پرسیدم‌موضوع مسافرت شما به‌هالیوود چیست و جریان اصلی آن ازچه قراراست؟ ایرن درحالیکه آب دهانش رافرو برد اینطور گفت:

درسال گذشته یك‌اکیپ برای استخدام عده‌ای هنرپیشگان شرقی وهمچنین تهیه‌مقداری‌فیلم ازنواحی خاورمیانه بایران آمده‌بودند وسیله‌یکی ازآشنایان به‌سرپرست این‌دسته معرفی شدم این‌شخص نیز ازمن آزمایشاتی بعمل آورد وهم چنین مقداری فیلم آزمایشی از بازیهایم تهیه نمود؛ این مقدمه گذشت تااینکه سه‌ماه پیش‌نامه‌ای دریافت کردم. دراین نامه دعوت نامه‌ای برای‌من ارسال شده بود دراین نامه رئیس یکی ازآژانسهای هنرپیشگی آمریکا دعوتی بعمل آورده بود که بآمریکا سفرکنم و نیزیادآورشده بودکه تیپ و بازی تومورد قبول چندکمپانی فیلمبرداری واقع گردیده. ولی من دراینمدت سه‌ماه تاکنون تصمیمی برای اینکار نگرفتم وحتی‌جریان امررا باکسی درمیان نگذاشتم.

پرسیدم علت افشانکردن‌این مطلب دراین‌مدت چه بوده‌است؟

گفت: اقدام بچنین مسافرتی بدون مطالعه و تحقیق چندان کار عاقلانه‌ای نبودوهمچنین سفرکردن بیك کشوردور دست بتنهائی فکر میکنم موجب ناراحتی‌من میشد (!) بهمین‌علت تااین‌لحظه تصمیم‌راسخی اتخاذنکرده‌ام.

واما راجع به نوشته هـای مطبوعات دراینمورد بایدبگویم‌که چندی پیش‌آنهاازمن‌مطلب‌تازه‌ای

ایرن بهالیوود میرود

خواستار شدند ومن نیز ناچار شدم
نامه آژانس هنرپیشگی
من دعوت
مذکوررا بآنها نشان بدهم وایشان
آگاه کنم.
را ازچنین دعوتی
پس ازاین جریان یکی دو
نفر به چنین وانمود کردند که رفتن
من بهالیوود قطعی است درحالیکه
شخصا هنوز تصمیم روشنی نگرفته‌ام
ونمیتوانم بگویم که خواهم رفت یا
نه. بعدا ایرن درحالیکه لبخندی بر
لب داشت اضافه نمود: گاهی پیش
خود فکرمیکنم دوری ازوطن با آن
همه ناملایمات وناراحتی‌ها چندان
کار ساده‌ای نیست. وداع ازآب و
خاکی که سال‌ها باخوبیها وبدی‌ها
یش خوگرفته‌ام بازبرایم غیر
قابل تصوراست!

پرسیدم درحال حاضر چه
فعالیت‌هائی درپیش دارید؟

پاسخ داد که: گذشته ازشرکت
درفیلم (چشم براه) محصول استودیو
کاروان فیلم اینك قراردادی با
استودیو آژیر منعقد کرده‌ام تادرچند
فیلم جدید که بکارگردانی ساموئل
خاچیکیان تهیه خواهدشد بازی کنم
من ازمدتها پیش مایل بودم دریکی
از فیلمهای خاچیکیان بازی کنم
چون او یکی ازکارگردانهای مجرب
مابشمار میرود بالاخره این آرزو
هم صورت عمل بخود گرفت ودر
آینده نزدیك فیلم جدیدی رادراین
استودیو شروع خواهم کرد.

ضمنا اینك مشغول دوبله چند
فیلم دراین استودیو هستیم که بزودی
یکی دوتای آن روی پرده خواهد
آمد. باید بگویم که ازاشتغال در
این استودیو نهایت خوشوقتم و
امیدوارم بتوانم درمدت قرارداد
خود برای این موسسه خدماتی انجام
دهم.

بعدا ازایرن پیرامون فعالیت
های تآتری سئوال نمودم واو نیز
دراینمورد گفت: فعلا که با تآتر
تهران قراردادی امضاء کرده‌ام تا
دربیس‌های آن بشرطی که مورد
موافقت من باشد شرکت جویم
احتمال دارد دربرنامه‌های آینده
آن تآتر نقشی که منطبق باتیپ من
باشد ایفا نمایم.

دراینموقع تفریح واستراحت
دوبلورها باتمام رسیده بود وهمگی
آنها وارد اتاق صدابرداری شدند.
مانیز دراینجا بگفتگوی خودمان
راخاتمه دادیم.

مدنی، خاچیکیان، دوربین فیلمبرداری!

۰۰۲

این روزها اگر کسی سراغ حسین مدنی نویسنده کمدی رابگیرد جائی جز اطاق دوبلاژ استودیو آژیر اورا پیدا نخواهد کرد. بی شك خوانندگان عزیز کم وبیش این نویسنده شوخ وبذله گورامیشناسند زیرا اوسال‌ها است که بانوشته‌های بانمك وابتکاری خودمردم‌را میخندانند. کتاب (اسمال درنیویورك) او که بطرزبی‌سابقه‌ای مورداستقبال واقع شد نشانه این ادعا خواهدبود بطوریکه برای پنجمین بار تجدید چاپ شد ونیز ازقابل ملاحظه‌ای بدست آورد. مدنی سال‌ها است که دراکثر جراید ومجله‌های پایتخت کارمیکند ومطالب فکاهی مینویسد امااخیرا تقریبا ازاین کاردست کشیده وبامورسینمائی پرداخته است.

درابتدا چند سناریو جهت تدوین چندفیلم نظیر برهنه خوشحال وشب نشینی درجهنم برشته تحریر درآورد واینك سرگرم تدوین یك سناریوی جدید دیگری است. خودش دراینباره اظهارمیکرد که سناریوی او یك فانتزی کاملی است که تصمیم دارد باخاچیکیان آن راتهیه نماید وهمچنین اضافه نمود که این فیلم‌را باسرمایه شخصی تهیه خواهدنمود بطوریکه ما شنیده‌ایم این فیلم فقط جنبه کمدی دارد وباصطلاح چون مال فروش بحساب میرود دستك تمام را خواهد گذاشت در واقع مدنی نویسنده مبتکری است که اغلب فکاهی‌های او باب‌طبع مردم واقع میشود خودش دراین باره میگوید چون اکثرا کاراکترهای من ازمیان خود مردم برگزیده میشود و تنها همین خواست مردم است

آنهائی که ازنزدیك باحسین آشنا نشده‌اند خیال میکنند او نیز نظیر اسمال یك جاهل کلاه مخملی دو آتشه است؛ اما در اولین برخورد باین اشتباه پی خواهند برد

حسین مدنی فعلا مشغول تنظیم دیالوك کمدی یك فیلم رنگی است که می بایست سینما موان‌روژ آنرا دوبله کند ونیز در استودیو آژیر دوبله کند ونیز در استودیو آژیر سمت سرپرستی دوبلاژ را عهده‌دار میباشد. این روزها برخلاف سابق بجای آنکه بدفتر مجله‌ها سربزند همه روزه مثل یك بچه سربراه از صبح باستودیو میرود و تا بوق‌سك کارمیکند؛ درکاردوبله خانم ایرن خانم مهرزاد وبهنیار، وحدت، کیانی، دوستدار و مرادی با او همکاری میکنند

بااین ترتیب حسین خان که سالها با جراید و مجلات سرکار داشت اینك سرکارش بادیالوك وصدا ومنکرون ونظایر آن میباشد و جزاتاق‌صدا برداری چشمش جای دیگررا نمیبینه.

بطوریکه حسین‌مدنی اظهار میکرد این‌روزها سرش شلوغ و گرفتار است وازطرفی‌دیگر مشغول نوشتن سناریوئیست که هفت‌دختر و هفت‌هدف نام‌دارد گویا این‌سناریو برای استودیو آژیر تدوین کرده است وتهیه آن‌در برنامه‌های آینده قراردارد.

هفته پیش که باحسین‌خان تماس گرفتم درد دلهای زیادی داشت که نوشتن آن از ماجرای داستان حسین کردهم متجاوزاست؛ میگفت بااینکه درجریانات سینمائی همیشه بجای تشویق با دلسردی مواجه شده‌ام.

معهذا باحرارت بیشتری بکارم ادامه‌داده وکوشیده‌ام بعد حسین ماجرای یکی ازاین فیلم بردارها را تعریف کرد که ذکر آن دراینجاخالی ازلطف نیست ومیگفت: درسال قبل برای‌شخصی که هم‌سمت فیلمبرداری وهم کارگردانی و هم ... داشت سناریوئی نوشتم پس‌ازچندی فیلم تهیه‌شد وببازار آمد و منهم‌نیمی ازحق تالیف سناریو دریافت داشتم ولی‌وقتی بقیه آن را طلب کردم اظهارداشت پس‌ازنمایش‌فیلم‌خواهم پرداخت. فیلم‌بنمایش‌درآمدومدتها

بقیه درصفحه ۳٤

بقلم: راجر مانول
رئیس آکادمی فیلم بریتانیا

ترجمهٔ: ایرج سعیدزاده
(۳)

سینما صنعت است

یک فیلم توسط یک تهیه کننده ، یک کارگردان ، نویسندگان، طراحان، مهندسین صوت ، فیلمبرداران ، مونتورها ، آکتورها وهم چنین پیشه‌وران وتجارت پیشه‌گان دیگری ایجاد میگردد .

بیش از ۵۰ حرفه و پیشه و هنر دراینمورد عرضه میشود وکار هر یک بوضع جدا نشدنی بهم پیوسته است وتهیه کننده با یک چنین جامعهٔ همکار وعجیبی ، روبرواست .

تهیه کننده، محور اساسی واحد خود ، یا استودیوی مربوطه است. وکار او از دو جانب مورد بررسی واقع میشود : سازمان اجرای استودیو ونظارت بر تهیه. در بعضی موارد یک تهیه کننده ممکن است که تحت نظر سازمان اجرا باشد . وفقط مسئولیت او متوجه عمل تهیه باشد ولی ، مسئولیت وی برای این سازمان مسجل است .

صرفنظر از تهیه کننده ، شخصی نیز بعنوان ناظر تهیه ، که هر نوع کار اداری از تحت نظر او میگذرد مسئول همکاری امور تهیه است . به موازات این اداره ناظر تهیه ، اداره‌ای که چندان تحت نظر آن نیست، قسمتهائی نظیر محاسبات ، امور حقوقی ، وتقسیم شغل راعهده‌دار است که هر یک کار خود را برای مشاوره درخرج ، توزیع نسخ وموازین قانونی منطبق برای داستانهای مورد استفاده، قراردادهای نویسندگان پیشه‌وران وهنرپیشگان اصلی را انجام میدهند .

یک استودیو ، چه در حال تهیه و یا غیر آن، باید درجریان عادی خود سیر کند. استودیوئی نظیر «ایلینگ» دارای ۴۰۰ نفر در کادر دائمی است. تهیه کننده درقبال کارمندان ونوع کار آنها مسئول است وبالعکس

بنابراین تهیه کننده استقلال زیادی بر عمل مورد علاقه خود دارد واین خود کلا موجب روانی کار است . برای یک استودیو وجود تعدادی اشخاص لازم برای کارهای تولیدی کمک تهیه کنندگان ، کارگردانان و نویسندگان - امری عادی است لذا تهیه کننده دراینمورد میتواند کارگردانانی متخصص فیلمهای کمدی ، درام، وراجع بسایر امور دراختیار خود داشته باشد.

هنگام اجرای برنامه‌ها درضمن باید مراقب «باکس - آفیس» واحتیاجات آن نیز بود. بهمین لحاظ این تفکرات اقتصادی نیز بنوعی خاص، نفوذ مسلمی دراصل موضوع خواهد داشت.

انتخاب موضوع ، درحقیقت مهمترین مسئله قابل توجه برای استودیو است تهیه کننده فقط شایستگی داستان را نباید درذهن خود خطور دهد ، بلکه میبایست رابطهٔ آن با ، واثر آن دا بر، برنامهٔ تهیه خود دقیقا مشخص کند .

بعلاوه او باید تشکیلات فروش را نیز، که توسط آن فیلمهای فی بین نمایش‌دهندگان داده میشود در نظر گیرد . موضوع منتخب نیز بایستی بطوری باشد که بتوان آنرا درقلمرو بودجه استودیو وارد کرد ، تا قسمت فروش کار خود را بخوبی انجام دهد وبعلاوه، مهمتر از همه تشخیص موقعیتی است که او باید فیلم خود را دربرابر جمعیت عرضه بدارد.

تهیه فیلم

با منظور داشتن برخی اختلافات جداگانه، اعمالی که یک فیلم طی مراحل ابتدا تا نمایش عمومی میگذراند، درهمه جا یکسان است . برگرداندن داستانی که اصل آن درفرم هنری دیگری نوشته شده ، به عمل نمایشی کار پیچیده‌ایست . زیرا باید دریک نوع تسلسل طویل سینمائی دیده شود. ویا درمورد فیلمهای فاکچوال (دکومانتری، فیلمهای تجسسات علمی) که عموما ترجمهٔ مباحثات با تشریح جنبه‌های توضیحی فیلم است این مسئله واضح‌تر میشود .

دراینمورد فیلمساز بزرگی نظیر رابرت فلاهرتی فقید ، ممکن است از نشر چنین اثری، اگر آزاد گذاشته شود، خودداری کند .

بنابراین اولین مرحله فیلمسازی برگزیدن موضوع وبعد تغییر شکل آن بسناریو است. نوع این سناریو یا «دستورالعمل» با فرد فیلمساز واستودیو متغیر است .

برگزیدن داستان اساسی ممکن است اصولا توسط فیلمساز و یا توسط نویسنده‌ایکه داستان مورد علاقه خود را بکارگردان میدهد بعمل آید، ویا خود تهیه کننده (یا کارگردان) آنرا خلق کند که بعد نویسنده کارگردانی را برای تکمیل آن فراخواند .

نویسندگان سناریو دربریتانیا ، عموما آزادانه کار می کنند . کارگردانان نیز ممکن است مستقلا بعمل بپردازند ویا با استودیوهائی بستگی داشته باشند (واین کیفیت استودیوی ایلینگ است) ؛ ویا درموارد بخصوصی شرکتهای تهیه از آن خود داشته باشند : سر کارول رید ، دیوید لین ، یا فرانک لاندر ، وسیدنی گیلیات، از آن قبیلند.

درهالیوود سیستم قراردادی نزدیکتری برای کارگردانان و نویسندگان و برای اداره استودیوهای بزرگتر موجود است. برای هر دو دسته ، نویسندگان وکارگردانان ، پیروزیهای برجسته وشخصیت قوی، جهت نظارت بر اساس کارشان لازم است .

استودیو درمورد تقسیم کار اینان ، نظیر هنرپیشگان ، مسایل با استقلال است .

باتوجه باینکه نویسنده سناریوئی نگاشته که کارگردان باید آنرا - اگرچه مطابق میلش نباشد - بعمل آورد ، هردوی این گروه ، بعنوان «تکنسین‌های اجرائی» خوانده میشوند، که برای تهیه کننده‌ای کارمیکنند که اختیار تام بر موضوع داشته وهمچنین اگر بخواهد قادر است، که عمل وقضاوت آنان را منحرف وتخطئه کند .

این امر کاملا درهالیوود برقرار نیست ، ولی هنوز نیز معمول است، درصنایع اروپائی ، که بیشتر امر تهیه بعهدهٔ گروههای کوچکتری از فیلمسازان محول است ، اکثر آنان مستقلا بکار می پردازند وبعلاوه، تهیه کارهای عظیمی منفردا میسر است .

آمریکا، بریتانیا ، فرانسه وایتالیا که اکثر صنایع فیلمی جهان را دارا هستند مجموعا سالانه درحدود ۶۰۰ الی ۷۰۰ فیلم داستانی تهیه می کنند . شماره زیادی از این آثار از نوولها، کتب غیرافسانه‌ای، ونمایشنامه‌هائیکه تازه نشر یافته ویا در روی صحنه هستند ، اقتباس میگردد .

مبالغ هنگفتی من باب حقوق نمایشی بنمایشنامه‌ها ونوولهائی که

جیمز میسون در صحنه‌ای از «پنجه عدالت» اثر (کارول رید)

پیروزی زیادی بین مردم بدست آورده‌اند ، پرداخت میشود. این حقوق جزء «اموال خصوصی» میگردد و بندرت بین کمپانی‌ها و یا تهیه کنندگان مستقل ، خرید و فروش میشود . بسیاری از سناریوها «ابـداعی» هستند ،که در کمیسیون تهیه کنندگان بنویسندگان مربوطه واگـذار می‌شود. نمایشنامه‌هائی که برای تلویزیون نگاشته شده، بتازگی منبع دیگری جهت سناریو شده‌اند .

قاعده‌ای برای صحنه‌هائی که سناریو برای آن نوشته شده نیست بعضی از سناریست‌ها لزوم استماع دیالوگ یک صحنه را احساس می کنند و این در مورد بستگی بخواهند احساس کاملی از حالات کـاراکترهـا داشته باشند .

عموماً صحنهٔ اول، وضع کلی داستان را بیان میکند ،که متعاقب آن، تغییر شکل فیلم بسکانس‌های اصلی یا پدیده‌های بسط و ساختمان سناریو نمودار می گردد . دیالوگ نیز این جریان را دنبال می کند، ودر جائیکه کارگردان خود سناریست است، یا همکاری نزدیک با سناریست دارد ممکن است صحنه‌ها پلان بپلان و پشت هم برداشته شود .

بعضی از کارگردانان - قابل ملاحظه‌تر از همه آلفرد هیچکاک وهمچنین «والت دیسنی» ، بمناسبت فیلم‌های حقیقی خود - سناریوئی برای فیلمبرداری پلان بپلان آماده میکنند که در زبان فرانسه «دکوپاژ» نامیده میشود .

این دکوپاژ شامل یکسری طرحهائیستکه وضعیات بصری دوربین وکمپوزیسیون پرده را نشان میدهد .وهمچنین دیالوگ که بهمراه جریان اصلی ادامه می‌یابد، ونکات مربوط با کسیون را دقیقاً در زیر هر تصویر صحنه مشخص میسازد .

بهر حال هر کارگردان ، روش شخصی خود را ارجح می‌دانـد. فی‌المثل ، مشخصه «سر کارول رید» سناریوی ساده وسلیسی ، فقط دربارهٔ دیالوگ وآکسیون است، سناریوی «دیوید لین» بسیار محکمتر، ودر روی کاغذ بادقت بیشتری صحنه‌ها را متمایز میسازد .

دراینجا، برای اولین نمونه، یک قسمت از صحنه‌های آخر «پنجه عدالت» آورده شده - وصحنه ایستکه «جانی» ، پس از آنکـه روحا ضربت خورده ، منزل رزی را ،که ماوای موقت وی بود، ترک میکند :

۱۱۲- سالن آنها در حال مجتمع‌اند وجانی را می بینند. او خود را راست میکند و بهمه با نظر قاطع و مصمم مینگـرد . هنگامیکه او با استواری کامل بسوی آنها میرود:

جانی: هم اکنون میروم، اوضاع برای تو دلخواه است و لازم نیست غصه بخوری . رزی از عقب او میرود و پالتوی او را، از هم آنجا که از دست راست او افتاده است، برمیدارد وروی دوش او انداخته وکمهٔ بالای آن را می‌بندد .

رزی: خوب، حالا !

جانی: بگذار بروم ، در را باز کن ومن بیرون خواهـم رفت، دیگر هم هرگز مزاحم تو نخواهم شد . وقتیکه من رفتم، در را ببند، ومرا فراموش کن .

جانی با حرکت محکمی بطرف در میرود ، آنها راه را برای او باز میکنند .آلفی بواسطه انگیزهٔ عاطفی ،که ناشی از حس بدرفتاری بجانی است ، حرکتی میکند .

آلفی: ببین ، یککمی صبر کن !

آلفی سطلی را از روی بخاری برداشته واز آن یک شیشه ویسکی درمیآورد ودر آن را باز میکند .

آلفی: من اینرا برای مراجعت پسرها از شرق ذخیره کرده بودم، برای تو خوبه،

جانی سر بطری را در دهان خود میگیرد وجرعه‌ای چند مینوشد، دست راست او باز میشود ودر را جستجو میکند ، و بمجرد یافتن دستهٔ در و باز کردن آن بادشدیدی بداخل خانه می‌وزد. شب تیره در مقابل او ظاهر میشود واو مردد میگردد . نیروی خود را تجدید کرده ، بسوی رزی . برای لحظه‌ای ، برمیگردد و بعد خود را بخارج میندازد. در بواسطه وزش باد بعقب باز میشود و بدیوار میخورد ،آلفی آنرا میبندد. «مادی» از کنار آلفی میگذرد وبچشم میخورد که رولوری در دست دارد. آلفی او را نگه میدارد. خیابان

آلفی: این را برو توی فاضل‌آب کنار خیابان بینداز.

مادی کلاهی از روی قلاب رخت کن برمیدارد و با عجله خارج میشود .

۱۱۳- خیابان. مادی رولور را توی فاضل آب کـنار خیابان میندازد. ودنبال جانی ،که چندان مسافتی را در تـاریکی نپیموده‌است میرود. ویسکی نیروی آنی بوی بخشیده. جانی بعقب نگاه میکند وبا این دختر روبرو میشود . مادی کلاه را روی سر برهنه او میگذارد.

مادی بیا ، اینرا سرت بگذار؛ زود بـاش . خوب حالا شد !

مادی: لبخند کوتاه حق شناس او را می بیند. بعد بطرف منزل میدود واز نظرش دور میشود، درحالیکه او را در تاریکی و بادهراسناک تنها میگذارد ، او بهم فشرده ویک پهلو بجلو میرود .

۱۱۴ سالن . مادی وارد میشود . رزی و آلفی آنجـا ایستاده‌اند .

آلفی (احساس خجلت میکند) : ما غیرخواهانـه باو رفتار کردیم .

رزی ومادی روی خود را برمیگردانند .

آلفی: او باشد ورفت، واین بهترین کار بود ،

رزی جوابی نمیدهد .

آلفی: چای من حاضر است رزی؛

• • •

مطالعه تفاوت بین سناریو صحنهٔ آخر وصحنهٔ بعد از تهیه «صخره برایتون» بسیار جالب است که با یک قطعه دیگـر در کتاب «کارل رایس» موسوم به «تکنیک مونتاژ فیلم» همراه است این قطعه نشان میدهد که مونتاژ تا چه حد در فیلمبرداری سناریو موثر است و کارل رایس چگونگی اتمام فیلم را بوضع قابل توجهی وابسته باصلاح در آخرین اعمال مونتاژ میداند

دراینجا، قسمتی از دکوپاژی است که برای سناریوی «برخورد کوتاه» آماده شده ووضعیات دوربین را بخوبی روشن میکند .

ناتمام

معرفی سینماهای جدید

سینما سهیلا

بطوریکه اطلاع دارید تا چندی قبل سینمائی بنام مایاک یادبود بان در اوائل خیابان اسلامبول مشغول کار بود متاسفانه این سینما که زمانی از بهترین سالنهای سینمای تهران بشمار رفت ، در این اواخر با نشان دادن فیلمهای تکراری بی ارزش و عدم توجه بتعمیر و نظافت سالن سینما موقعیت خود را بکلی از دست داده بود تا اینکه بالاخره بدنبال فروریختن سقف سالن هنگام نمایش فیلم ، سینمای ماباک برای مدتی طولانی تعطیل شد

خوشبختانه توجه روز افزون عموم و علاقه زاید الوصفی که از طرف طبقات مختلف نسبت بسینماهای جدید و فیلمهای با ارزش ابراز میشود ، باعث ایجاد یک تحول کلی واساسی در امور سالنهای سینما و انتخاب و نمایش فیلم گشته است . در طول چند سال اخیر بطوریکه مشاهده میشود وضع عمومی سینماها از رکود ورخوت سابق بیرون آمده و در گوشه وکنار شهر صاحبان سرمایه باجدیت وپشتکار خستگی ناپذیری درصدد تاسیس سینماهای مدرن بر آمده‌اند فیلمهائی که امروز روی پرده میآید و مورد استقبال عموم قرارمیگیرند اکثرا از بین محصولاتی انتخاب شده‌اند که در سایر کشورهای جهان بعنوان یک اثر برجسته وفوق العاده شناخته شده وموفق باخذ جوایز متعدد گردیده‌اند فیلمهای بی ارزش سراسر زد و خوردی که سالهای قبل رکورد فروش را در شهر ما می شکستند ، امروز بندرت برنامه سینمائی را اشغال میکند و بطوریکه تاکنون بارها مشاهده شده است این قبیل فیلمها باعدم استقبال مواجه شده و سینمای نمایش دهنده ناچار بعد از چندشب اقدام به تعویض برنامه خود مینماید.

بدون شک این تحول سریع و بی‌سابقه در امر نمایش فیلم ها و سالنهای جدید التاسیس نتیجه مستقیم ترقی سطح معلومات و قوه تشخیص علاقمندان بسینما در کشور ما می باشد این امر باعث گشته است که علاوه بر ایجاد سالنهای جدید ، سینماهای قدیمی نیز دست بیک اقدام اساسی زده و سالن مجهز و آبرومندی تقدیم مردم پایتخت بنمایند در میان سینماهای قدیمی و باسابقه تهران که بزودی بصورت یک سینمای مدرن ومجهز در ردیف بهترین سینماهای شهر ما قرار خواهد گرفت باید نام سینمای سهیلا را ذکر نمود این سینما که در محل سابق سینمای ماباک بتازگی بنا شده دارای دکوراسیون جالب و قابل توجهی می باشد پس از یکراه روی کوتاه که در ورودی سینما را بسالن انتظار مربوط میسازد سالن وسیع ومجللی قرار دارد که دیوار‌های آن با نقاشی‌های کوبیسم تزئین شده است ستونهائی که از سنگ مرمر ساخته شده‌اند و یک بوفه زیبا از مشخصات قابل توجه این سالن بشمار می‌روند. در ضمن ناگفته نماند که برای فروش بلیط این سینما گیشه های متحرک برقی تهیه شده است باین ترتیب که گیشه‌ها روی یک ریل برقی حرکت کرده و جلوی در ورودی سینما متوقف میشود و در آن محل بطور اتوماتیک بلیط فروخته میشود یک صفحه مدور برقی که در حال گردش می باشد جلوی اشخاص قرار میگیرد این صفحه در حال گردش پول را بداخل گیشه می برد و از طرف دیگر بلیط را از داخل گیشه گرفته و در حال گردش آن را جلوی اشخاص قرار میدهد دیگر از مشخصات سالن انتظار دستگاههای شوفاژ ساتراژ است که بفاصله‌های متعدد در اطراف سالن قرار گرفته‌اند

بطوریکه آقای رضا کیائی مدیر داخلی سینما اظهار میداشتند این سینما دارای مجهزترین دستگاه شوفاژ ساتراژ و دستگاه ایر کاندیشن می باشد سالن تابستانی سینما که روی سالن انتظار قرار دارد ، با تغییرات کلی و پرده وسیع سینما سکوپ برای نمایش فیلم در فصل تابستان آماده خواهد شد سالن زمستانی سینمای سهیلا نیز بوضع جالبی تزئین شده است در این موقع از آقای کیائی سئوال شد که مهندسی وطراحی سالن سینما توسط چه کسی انجام شده است ایشان در جواب اظهار داشتند که طراحی سالن از آقای مهندس سهیلی می باشد ولی سالن انتظار را مهندسین آلمانی که برای طراحی فروشگاه فردوسی به طهران آمده اند ، طرح ریزی کرده‌اند سپس آقای کیائی این اطلاعات را درباره سالن سینما در اختیار خبرنگار ما گذاردند . این سینما مطابق معمول با پرده سینماسکوپ بعرض دوازده متر مجهز می باشد . درضمن دستگاههای متعددی برای تهویه هوا در سالن تعبیه شده است که مرتبا هوای کثیف را بداخل خود کشیده و ازطرف دیگر هوای تازه و پاک را داخل سالن میکند درضمن صندلیهای سالن بوضع راحت و بافاصله‌های لازم تهیه شده‌اند سالن گنجایش ۱۲۵۰ نفر تماشاچی را دارد . در این موقع پس از کسب اطلاعات لازم درباره وضع سینمای سهیلا برای اطلاع از چگونگی برنامه‌های آن و فیلمهائی که پرده این سینما را در آینده اشغال خواهند کرد بشرکت آشنافیلم که برنامه های این سینما را تامین خواهد کرد مراجعه شد آقای آشتیانی مدیر شرکت در باره برنامه های سینما سهیلا اینطور اظهار داشتند

برای تنظیم برنامه‌های سینمای سهیلا تصمیم گرفته شده است که یک سری از بهترین آثار سینمائی جهان که تمام در فستیوالهای سینمائی موفق باخذ جوایز گردیده‌اند . انتخاب شوند فعلا فیلمهائی که در برنامه‌های آینده سینما سهیلا قرار خواهد گرفت عبارتنداز

«جولیوس سزار» درام پرارزش اثر شکسپیر باشرکت مارلون براندو جیمز میسون - دبورا کار بکارگردانی جوزف مانکیه‌ویچ - «آکتریس» باشرکت جین سیمونز و اسپنسر تریسی - این دو فیلم از محصولات کمپانی مترو انتخاب شده‌اند

دو فیلم نیز از «والت دیسنی» نمایش داده خواهد شد که عبارتند از «خانم ولگرد» که تمام نقاشی متحرك است و «حادثه بزرگ راه‌آهن» . از محصولات کلمبیا نیز این دو فیلم انتخاب شده‌اند : پایان ماجری و ردپای مجهول .

ازکمپانی ریپابلیک نیز لیسبون - اگر بهار دیگر بیاید - مرد تنها بمعرض نمایش گذارده خواهند شد .

از محصولات مختلف سینمائی جهان که اغلب برنده جوائز فستیوالها می باشند فعلا این فیلمها در سینما سهیلا نمایش داده خواهند شد دختر رودخانه - عروس خانم خیلی خوشگله - رسوا - مرگ دوچرخه سوار - شاهراه - شبهای سفید باشرکت ماریا شل و ژان ماره برنده جایزه فستیوال ونیز - زیبای لبنان لاگاتا از محصولات اسپانی سینما سکوپ تمام رنگی طوفان بر فراز ناکازاکی با شرکت ژان ماره و دانیل دار یو سینماسکوپ تمام رنگی اثر «ایو چیامپی» تیل باشرکت ژرارد فیلیپ و بکارگردانی خوددی ماجراجویان - سه مرد در یک قایق

درضمن آقای آشتیانی در خاتمه اظهارات خود اضافه کردند که سینما سهیلا در اوائل دی ماه با یک برنامه ابتکاری وجالب افتتاح خواهد شد واز جهت اینکه برنامه بیسابقه‌ای برای سینما سهیلا در نظر گرفته شده فعلا در این باره از دادن هرگونه اطلاعی خودداری خواهیم کرد

نوشته : آندریو ساریس
از مجله : «فیلمز اند فیلمینگ»
ترجمه : پروانه

(۵)

(سر کارول رید)

۰۰۰۰ و تحلیلی از کار سینمائی او

«بچه عدالت» اثری شگرف . یکی از شاهکارهای مسلم سینمای جهان است که دنیائی مفهوم، مضمون، راز و سمبل های متنوع درخود نهفته دارد

(رید) به ذات صنعت سینمای انگلستان روح خود را در قدرت تجسم هنری می دهد

«بچه عدالت» فیلم قاطعی از تجسم زندگی شهری در شب است تنها فیلمی مثل این توانسته است تمام جاهائی را که در طرح برای خیابانها و عمارات نیمه روشن فیلم وجود دارد احاطه کند «رید» چنان بر «سطح» فیلم های خود مسلط است و این سطح را آنقدر تحت کنترل دارد که فهم او از مفاهیم ضمنی آکنده و مملو است تا آنجا که گاه این مفاهیم در جریان تجسم «اسباب‌ها» (اشیاء وصور) ممکن است نهفته و درسایه باقی بماند «بچه عدالت» یک سمفونی موزون، ترانه‌ای هم‌آهنگ از روابط بشری است روابطی صمیمی . روابطی تصادفی و بعضا روابطی ناچیز و اتفاقی که همه درجریان موزون سیل ذوات اجتماع نهفته هستند. قهرمان این ماجری «جانی مک کوئین» مردی بیچاره ، درمانده و پریشان است که یکزمان در زمینه سیاست فعالیت‌هائی داشته. دست تهدید کننده مرگ ، وجود این مرد را مبدل به وجدان افرادی میکند که وی با آنان روبرو میشود همچنانکه این مرد راه خود را درخیابانها بازحمت وجان کندن زیر باران و برف ادامه میدهد. «ترکیب» شهر عوض میشود ومردم اندک اندک بخانه‌ها پناه می‌برند طرح سایه وار پیکر قهرمان ماجری در راه پیمائی محتضرانه خویش مبدل بشکل وسمبلی برجسته میشود ساعت بزرگ شهر دقایق را مرتبا اعلام میکند . تا بالاخره بازنگ خود نشان میدهد که نیمه شب فرا رسیده . نیمه شب لحظه‌ایکه مرگ بطور قطع ویقین برقرار میشود وطرح نهائی فیلم تکمیل میگردد

قسمت نخست فیلم «بچه عدالت» دارای سرعت و هیجانی است که در یک فیلم پلیسی صحیح باید دیده‌شود «جانی» و همدستانش بکارخانه‌ای حمله میکنند نگهبانی را بقتل میرسانند «جانی» مجروح میشود و یارانش هر یک براه جداگانه خود میروند و «جانی» درمیان پلیدی‌ها بی نصیبی توام با وعده‌های قلابی دوستان خویش تنها میماند درمیان تعاقب موانعی که پلیس برسر هر کوچه و خیابان ایجاد کرده . و در میان طپانچه‌ها وشلیک گلوله‌ها . پرده - هائی از «وجدان» وارد میشود «وجدان» یا تصویری از ضمیر

بشری در وجود دخترکی اسکیت سوار وسپس دروجود دو عاشق و معشوقی باعشق دزدکی ومخفیانه‌شان متجلی میگردد این عاشق و معشوق سرزده وارد سربائی که «جانی» در آنجا مخفی شده‌میگردد وسپس باشتاب خود را عقب میکشند وقتیکه «جانی» سرانجام از مخفی که خویش خارج میشود . [illegible] و مرهمهای جسمانی که از «مخبر» و «مراد» جادشده تاردیث شدن

[illegible] [illegible] میگردد [illegible] میشود [illegible] [illegible] «جانی» [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ... [illegible] «جانی» [illegible] ... [illegible] ... [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] میکند به جس ... [illegible] ... توجهی مسائل «جبر» و «شر» با «جوب» و «...» شاورد کشش میکوشد روح جانی را نجات دهد و او را به ساحت از جنایت خود ... [illegible] نقاشی تواناست نهایت اشتیاق را دارد که حالت مرگ را درچشمان «جانی» روی تابلو بیاورد ، دکتر سعی میکند تن مجروح «جانی» را وصله کند تا بتواند او را ... دریک گیرد اما تنها وجود «کاتلین» معشوقه «جانی» و مردک خرده فروش «شل» است که فیلم صورت دراماتیک ونتیجه اخلاقی ناشی از تضاد خود را احراز میکند سایر کاراکترهای همه تحت تاثیر عوامل وشرایطی هستند که موقعیتهای عشق آنها تحمیل میکند . قانون ، ضعف ، هر ... و ... مصری و عربی که افراد طبقه متوسط ... همنوعان خود دارند از پیش ... مقدمه و رفتار آنهارا ... «جانی» سعی میکند ... «کاتلین» و «شل» ... ملاحظه و ... عشق «کاتلین» ... زندگی مرگ ... و ... «جانی» و خویشتن را بدست خود ... تا آنکه ... عاشق ... میشود ... بادست خویش «جانی» را ... آثار ... فطری ... دخترک ... «جانی» این قهرمان ...

از : جان ـ او ـ برك

از مجله فیلمز اندفیلمینگ

(مذهب در سینما)

درباره نویسنده:
«جان او. برك» پدر روحانی، ضمن اشتغال بامور مذهبی، بحرفه انتقادفیلم از نظر مذهبی نیز می پردازد وبعنوان منشی افتخاری «انستیتوی فیلم کاتولیك» فیلمها را از دریچه‌چشم کلیساملاحظه وبررسی میکند. مستر «برك» که‌بعلت خصوصیت حرفه دوجانبه خود مرجعی موثق و منحصر بفرد بشمارمیرود عضو چند انجمن مذهبی و سینمائی بین‌المللی است و درفستیوال‌های بزرك جهان مذهب‌راچنانکه شایدوباید به‌منتقدین سینمامعرفی نموده واثرات آنرادراین‌صنعت‌وسیع یادآور گشته‌است

هنوزسالی چند از آغاز پیدایش صنعت سینما نگذشته و این جام جهان نما جنبه «تجارت» را بخود نگرفته بود که «مذهب» این نیروی بزرك اجتماعی واخلاقی، راه‌خود را درسینما بازکرد چنانچه گفته‌شد سینماهنوز بصورت « سومین‌صنعت وسیع‌جهان در نیامده‌بود وازحیات آن‌چندسالی بیش نمیگذشت در آن ایام ، استادان این صنعت و هنر جوان‌مثل «لومیر» ، «گومون» ، «پاته» ودیگران گاهی با همکاری روحانیون و علمای مذهبی فیلم های چندی با «تم» مذهبی تهیه میکردند.

این فیلم‌ها اکثرا شامل‌موضوعات مذهبی مشهوری میشد که نقاشان بزرك قبلا آنها را روی تابلو آورده‌بودند. مثلا « مسیح بر آب راه‌میرود» ، «خشم» ، « اغوای سن‌آنتونی» و غیره.. حتی در آن ایام پیشین‌نیز مذهب‌اثر « نوع پرستانه»‌ای برسینما نداشت، اگر درآن روزگارفیلمی بچشم میخورد که‌میتوانست‌تهیه‌فیلم‌های«صومعه‌ای» امروزه‌را پیش بینی کند واقعا این فیلم اثری شگرف وجالب‌محسوب میشود فیلمی از قبیل آنچه « مه لیس» در ۱۸۹۹ باسم « شیطان درصومعه ! » تهیه نمود.

بنابراین اگر تاباامروزمذهب اثر خودرا همچنان درسینما حفظ کرده‌است وفیلم‌سازان گاهی دست بتهیه موضوعات مذهبی میزنند‌جای تعجبی نیست‌زیرا اکثر مردم متمدن جهان همچنان پای بند یك عقیده مذهبی ، و معتقد بیك قدرت الهی هستند مردم سینمارو نیز وقتی که درمیان آثار «اخلاقی» قراردادی سینما چشمشان بیکی دو اثرمذهبی میافتد با علاقه و اشتیاق بتماشای آنها میشتابند «اخلاق» معمولی ومرسوم برپایه امور و عقایدی که بشر در طی سالها رعایت‌آداب مذهبی پسندیده و تصویب کرده است قراردارد، ومذهب یك‌فضیلت اخلاقی است که بوسیله آن انسان احترام وسپاس و پرستش خودرا بدرگاه خداوند عرضه‌میدارد. از آنجائیکه مذهب یك فضیلت «اخلاقی»است (یعنی فضیلتی که بر اخلاق‌ورفتارما حکومت‌میکند) پس ارتباط آن بیشتر باآئین‌خارجی و ظاهری خدا پرستی وهمچنین‌اعمال معموله‌مذهبی‌است وگرنه هرکس پیوندی فردی‌وخاص باخدای خود دارد که آن‌ازصورت‌مذهب مشترك

«شهرپسران» باشرکت اسپنسر تریسی» از آن‌دسته‌فیلمهای مذهبی بود که باصطلاح پیامی باخود داشت. متاسفانه این‌اثربیشتر برای تهیج احساسات‌واشك‌ازچشم‌تماشاچی آوردن تهیه شده تا برای انتقال‌یك‌نتیجه‌اخلاقی ومذهبی

«خرقه» نخستین فیلم «مجلل ـ مذهبی» بود که بطریقه سینما ـ سکوپ تهیه شد

وارابج و مراسم معمول آن متفاوت است

بنابر آنچه گفته شد در تماشا و تعیین ارزش یك فیلم مذهبی باید تفاوت فرق را در نظر داشت زیرا در اکثر فیلم های مذهبی ، توجه فیلمسازان بیشتر بظواهر مذهب ، تشریفات و آئین مذهبی ، شخصیت های مذهبی ، معابد و امثال آن معطوف میشود واین ظواهر را بروی پرده میآورند و از آنجائی که درك واخذ جنبه روحی والهی مذهب که درزیر تشریفات ظاهری آن نهفته است امری بسیار دشوار است کمتر سازنده فیلمی این جنبه را میتواند دریابد و یا بخود زحمت تجسم آنرا روی پرده سینما بدهد .

ازاینرو ست که فیلمسازان مرتبا فیلم های باصطلاح «مذهبی» را باجعل روایات انجیل فراهم آورده و خاطر آن گروه ازاهل کلیسا راکه ازسینما یك صنعت خطیر واساسی میطلبند آرزو میدارند

کمتر فیلمساز بزرك و مشهور امروزی وجود داشته است که بتواند ازتهیه یك فیلم مذهبی با باصطلاح خودشان «حماسه برشکوه مذهبی» خودداری ورزد . فیلم هائی که یك یك عده را البسه های مذهبی می پوشانند وجلوی دکورهای مجللی که آثار روزگار کهن را نشان میدهد مثل معابد بزرك یا اهرام مصر بهرژه وامیدارند تا تماشاچی را باین طرفت بیاندازند که . آری این هم یك اثر عظیم مذهبی است

تااین لحظه هنوز هیچ یك از فیلم های مذهبی اقتباس از انجیل نتوانسته اند از وسوسه تجملات مادی و تزئینات پست و کثیف «سیرکی» خود را نجات بخشند هنوز، تالحظه نگارش این سطور نمیدانیم که آیا فیلم «ده فرمان» «سیسیل ب دومیل» ماراوادار به تجدید نظر دراین عقیده خواهد نمود باخبر نام «دومیل» بوضعی جدائی ناپذیر با اینگونه آثار مذهبی که برپایه احساسات مذهبی مشترك بین یك گروه وملت بناشده آمیخته است بجز فیلم صامتی که «دومیل» در ۱۹۲٤ باسم «شاه شاهان» تهیه نمود و هنوز با موفقیت درانجمن های مختلف مذهبی نمایش داده میشود هنوز هیچ یك از فیلم های دیگر او نتوانسته اند به کاراکتر ـ هائی که وی از کتاب مقدس برمیگزیند حیات بخشند وهیچیك از هنرپیشگان فیلم های او اعم از زن یا مرد . نتوانسته باموفقیت حالت واقعی و خلوص را که درمذهب یافت میشود بتماشاچی منتقل سازد «علامت صلیب» بیش از آنچه یك فیلم مذهبی باشد تجسم پرشکوهی ازشستشوی ملکه های روزگار کهن در شیر الاغ بود و «جنگهای صلیبی» بیش ازآنچه نشانی از «صلیب» داشته باشد نمودار تسلط پول در تهیه یك اثر پرخرج بود .

«سامسون و دلیله» همه شرایط یك فیلم پرخرج و مجلل باصطلاح مذهبی را در خود جمع داشت داستانی تحریف شده از انجیل صحنه های شهوت انگیز ، سادیسم زنان ماهرو که سرودهای مذهبی را برای چاشنی بدان افزوده و باتحریف روایات انجیل زمینه مناسبی برای پرورش عشق قهرمانان ماجری فراهم آورده بودند

یکی از کثیف ترین و نفرت انگیزترین آثار «سیرکی ـ مذهبی» فیلم «سالومه» اثر «ویلیام دیترله» بودکه درآن از داستان انجیل گرفته تاهمه جزئیات بوضع بی شرمانه ای مسخ شده بود تافیلمی تماشائی برای زنده کردن شهرت روبه زوال «ریتاهیورث» ازاین میان بوجود آمده باشد

در نخستین فیلم سینماسکوپ مذهبی ، «خرقه» نیز بهمین وضع شخصیت «پطرس حواری» را که بدان روشنی و وضوح درکتاب مقدس توصیف گردیده است تحریف کرده بودند تااین شخصیت نیز متناسب باسایر اجزاء داستان معمولی باشد که تیلم گرد آن دور میزد

منظ در فیلم های مذهبی پر خرج نقل ازانجیل نیست که حتی از تجسم ظواهر تشریفات مذهبی غفلت میشود . سایر فیلم های مذهبی که اقتباس از روایات انجیل نیستند نیز گرفتار همین تصور وتجسم مادی و رومانتیکی که فیلمسازان از «مذهب» در مخیله خود دارند می باشند خواه این فیلم ها شرح احوال شخصیت های مذهبی نظیر «آواز برنادت» و یا یك درس اخلاقی اجتماعی نظیر «شهر پسران» باشند باز انسان متوجه میشود که مشغول تماشای یك شهر فرنگ مذهبی است که در آن باکوشش مسخره ای کوشیده اند تاکرامات معجزات و امثال آن را بوضعی مشتری جلب کن و مهیج عرضه سازند

برای کسیکه ایمان ندارد ، همه دلایل غیر ممکن جلوه میکنند برای کسیکه ایمان دارد اصلا دلیلی لازم نیست» بااین مقدمه فیلم «آواز برنادت» آغاز میشود . اگرچنین باشد اصولا چه لزومی تهیه این فیلم وجود داشت؟ خصوصا آنکه بدون توجه بکلام فوق قسمت عمده واساسی داستان روی مسئله ظهور مقدسه ای در شهر «لورد» قریب یك قرن پیش دور میزد وقتی که سازنده فیلم از بیان یك پیام الهی ومذهبی بوضع سینمائی مناسبی عاجز است درواقع می شود گفت که نه سینما خدمتی کرده است نه مذهب . بنابراین هیچ لزومی ندارد که بجای تهیه یك فیلم مذهبی یك اثر «تکنی کالر» پر جمعیت را با چاشنی یك ماجرای عاشقانه بخورد تماشاچی بدهند .

(ناتمام)

عشقهای لولا مونتس

سینماسکوپ رنگی

بزرگترین و پرخرج ترین فیلم سینمای فرانسه در تاریخ پیدایش سینما در آن تهیه شده

با شرکت : مارتین کارول ـ پیتر اوستینو

بزودی در سینمای مجلل پلازا

بررسی فیلمهای ۱۹۵۷

The Sun Also Rises

خورشید همچنان میدرخشد

(درام)

فوکس - سینماسکوپ - دلوکس کالر

این فیلم که از روی یکی از بهترین آثار همینگوی اقتباس شده بدون شك یکی از بهترین فیلمهای داریل زانوك محسوب میشود

قهرمانان فیلم کاراکتر های مختلفی از افراد متمایز اروپای بعد از جنك اول جهانی میباشند. افرادی که در بکشت افکار پوسیده دست و پا میزنند و از بین میروند - یك انگلیسی ورشکست شده که با اعتبار سابق خود زندگی میکند، جوانی که در جنك قوه مردی خود را از دست داده، گاوباز جوانی که از باده پیروزی ناپایداری مست است، نویسنده تهیدستی که عشق زنی جسم او را تحلیل میبرد و بالاخره زنی که محبوب واقعی او قادر نیست عشقش را پاسخ دهد و اندامی دارد در دور نج خود را در آغوش این و آن فراموش نماید .. کارگردان فیلم هنری کینك معروف است

خیلی خوب - چارلز ارسن
سپتامبر ۱۹۵۷ - ۱۲۹ دقیقه
تایرون پاور . جك بارنس
اوا گاردنر . لیدی برت اشلی
مل فرر . رابرت کوهن
ارول فلین . مایك کامبل
ادی آلبرت . بیل گورتن

Sea Wife

سی وایف (درام)

فوکس - سینماسکوپ - رنگی

داستان دراماتیك وهیجان انگیزی است که از همان ابتدا تماشاچی را سخت تحت تاثیر قرار میدهد ریچارد برتن مطابق معمول نقش کاراکتر حساس و پرشوری را برعهده دارد و پرفورمانس بینظیری ارائه میدهد او جوانی است که کشتی پر از تلاطمی را پشت سر گذاشته و اینك تشنه دیدار مجدد دختری است که جز یك نام مستعار چیز دیگری از او نمیداند - دختری که در سخت ترین و هولناك ترین لحظات زندگی قلب او را بارتعاش در آورده. بازی جون کالینز در نقش «سی وایف» دختر دلخواه برتن جالب است کارگردان فیلم باب مك نات و تهیه کننده آن آندره هکنیم میباشد.

خیلی خوب - جورمر
اوت ۱۹۵۷ - ۸۲ دقیقه
ریچارد برتن . بیسکویت
جون کالینز - سی وایف

Tip on a dead Jockey

شرط بندی روی اسب سوار مرده (ملودرام)

مترو - سینماسکوپ

از یك داستان معروف ایروین شا در مجله «نیویورکر» ادوین نایف تهیه کننده وریچارد تورپ کارگردان با شرکت هنرپیشگانی نظیر رابرت تیلور، دوروتی مالون وجیا اسکالا فیلمی بوجود آورده اند که تماشاچی را کم و بیش سرگرم میسازد

جریان درباره یك خبر عوضی است وحوادث مربوط بآن دو سال بعد از اتمام جنك کره در مادرید و اسپانیا اتفاق میافتد

خوب - ویلیام ویور
اوت ۱۹۵۷ - ۹۰ دقیقه
رابرت تیلور . لوید ترومن
دوروتی مالون . فیلیس ترومن

Action of the tiger

عملیات ببر (ملودرام)

مترو - سینماسکوپ - مترو کالر

.. سینما سکوپ، رنك آمیزی مترو کالر و شرکت دادن مارتین کارول آتشپاره فرانسوی وان جانسن اکتور بازنشسته آمریکائی در یك داستان ملودرام هیجان آوری که عده خاصی را باسلیقه مخصوص آنها راضی و قانع خواهد ساخت امتیازات اساسی وقابل توجه این فیلم صد در صد تجارتی محسوب میشوند . کارگردان فیلم ترنس یانك وتهیه کننده آن کنت هاربر میباشد .

خوب - ویلیام ویور
اوت ۱۹۵۷ - ۹۴ دقیقه
وان جانسن . کارول
مارتین کارول . تریسی

The Brothers rico

برادران ریکو (جنائی)

کلمبیا

... داستان جنائی مهیجی برای این فیلم در نظر گرفته شده و تماشاچی را بیاد آثاری میاندازد که جورج رافت، رابینسون و کاگنی شهرت خود را مدیون آنها هستند برادران ریکو بکارگردانی فیل کارلسن توسط لوئیز را کمبل تهیه شده است

خوب - ویلیام ویور
سپتامبر ۱۹۵۷ - ۸۱ دقیقه
ریچارد کنت . ادی ریکو
دیان فاستر . الیس ریکو

The unholy wife

همسر ناپاك (درام)

یونیورسال - آر - ك - او - تکنی کالر

فیلم مهیجی است که سوژه آن بر تم معروف جنایت و کیفر قرار گرفته است . رود استایگر مرد ثروتمندی است که با زن زیبائی (دیانا دورس) ازدواج میکند تا پسر او را یگانه وارث خود نماید . زن بایکی از زیر دستان شوهر خود روابطی برقرار میسازد و تصمیم میگیرد شوهرش را بقتل رساند... پرفورمانس رود استایگر عالی است این فیلم را جان فارو از روی سناریو جوناتان لاتیمر تهیه و کارگردانی نموده است .

خوب - وینسنت کانبی
اکتبر ۱۹۵۷ - ۹۴ دقیقه
دیانا دورس - فیلیس هوچن
رود استایگر - پل هوچن

From hell it came

مخلوقی از جهنم (فانتزی)

آلاید آرتیستس

. سناریو فیلم توسط ریچارد برنشتین تنظیم شده و کارگردانی آنرا دن میلنر انجام داده است. تهیه کننده فیلم جك میلنر میباشد

خوب - ویلیام ویور
اوت ۱۹۵۷ - ۷۵ دقیقه
تاد آندروز . دکتر آرنولد
تینا کارور . دکتر میسون

The disembodied

جنی شده (فانتزی)

آلاید آرتیستس

... این فیلم نیز توسط آلاید آرتیستس ساخته شده و این کمپانی آنرا با «مخلوقی از جهنم» دیگر در پرودکسیون نیمه دوم سال ۱۹۵۷ خود میفروشد . توسط بن شوات ربکارگردانی والتر کروس تهیه شده است

خوب - ویلیام ویور
اوت ۱۹۵۷ - ۷۵ دقیقه
پل برك . تام
آلیسون هیز . تانگا

Domino kid

دومینو کید (وسترن)

کلمبیا

این فیلم وسترن توسط روری کالهون و ویکتور اورانس برای کمپانی کلمبیا تهیه شده است و داستان آن بعد از اتمام جنك های انفصال اتفاق میافتد. کارگردان فیلم ری نازارو میباشد .

خوب - ویلیام ویور
اکتبر ۱۹۵۷ - ۷۲ دقیقه
روری کالهون . دومینو
کریستین میلر . باربارا

Dauther of Dr. Jekyll

دختر دکتر جکیل (فانتزی)

آلاید آرتیستس

.. یکی دیگر از سری فیلمهای فانتزی - علمی است که جدیداً کمپانی آلاید آرتیستس روانه بازار نموده است . سناریو توسط تهیه کننده فیلم جك پالکسفن تنظیم گردیده و کارگردان آن ادگار اولمر میباشد .

خوب - ویلیام ویور
ژوئیه ۱۹۵۷ - ۷۱ دقیقه
جان آگار . جورج هاستینگز
گلوریا تالبوت . جنت اسمیت

Cyclops

سیکلوپها (فانتزی - علمی)

آلاید آرتیستس

... این فیلم را میتوان همراه یك فیلم بزرك نمایش داد . هنرپیشگان فیلم جیمز کریك ، گلوریا تالبوت ، لون چانی (پسر) و نام دریك میباشند سناریست، تهیه کننده و کارگردان فیلم برت گوردون نام دارد .

خوب - ویلیام ویور
ژوئیه ۱۹۵۷ - ۷۵ دقیقه
جیمز کریك . راس برادفورد
گلوریا تالبوت . سوزان وینتر

Quantez

کوانتز (وسترن)

یونیورسال - سینماسکوپ - ایستمن کالر

.. فیلم وسترن جالبی است و دوستداران این نوع آثار را کاملا قانع وراضی خواهد نمود «کوانتز» نام شهر متروکی است که جریان در آن اتفاق میافتد. این فیلم را گوردون کی بکارگردانی هری کلر از روی سناریو رات کامبل تهیه نموده است.

خوب - نورمن موریس
اکتبر ۹۵۷ - ۸۰ دقیقه
فرد مك موری - جنتری
دوروتی مالون . چالی
سیدنی چاپلین - گاتو

بقیه در صفحه ۳۰

از همه چیز - از همه جا

فرانك سیناترا ازدواج میکند ؟

شب افتتاح فیلم «دله گورخوانه است» ، خبرنگاران لحظه‌ای فرانك سیناترا و لورن باکال را تنها نمی گذاشتند ، آنها میخواستند بدرستی ازحقیقت امر آگاهی یابند آیا فرانك با لورن ازدواج خواهد کرد؟ بعد ازمرك همفری بوگارت اغلب اوقات فرانك بخانهٔ لورن میرفت بخصوص که در آنوقت هنوز همسرش اواگاردنر طلاق گرفته بود. خبرنگاری از او درباره ازدواج سئوال کرد واودرجواب گفت «من دلی هستم که ازتنهائی گریزانم . زنی که تنها زندگی میکند ، زن ناقصی بیشتر نیست» . بنابراین جریان واقعه خودبخود دارد حل میشود ازطرفی لورن باکال تنها زنی استکه می تواند فرانك سیناترای شکست خورده را درزندگی خوشبخت وشادکام سازد.

+ الیزابت وهارولند بعد از پایان فیلم «شورش فرود» درپاریس اظهار نظر کرد که : «هیچ جائی بهتر ازپاریس نیست» ومیخواهد تغییر مکان بدهد .

+ «کن کلاینون» جوانیکه شباهت تامی به «جیمی دین» دارد بزودی درفیلمی که باردیگر ازسر گذشت جیمی تهیه میشود بنام «کشده وبیکس» رل اول راایفا می نماید .

+ «لیبریس» خوانندهٔ مشهور بزودی فیلم «موسیقی عشق بوجود می آورد» رادرکمپانی کلمبیا بازی خواهدنمود این دومین فیلم وی درهالیوود محسوب میشود اولین فیلمش «ارادتمند شما» نامداشت و محصول کمپانی وارنر بود .

+ «جون وودوارد» بعد از اتمام آخرین فیلم خود «تابستان گرم طولانی» ، به بزودی خواهد رفت تابا «پل نیومن» دربیس همین فیلم شرکت کند . بعداً آندو تاریخ ازدواج خویش را تعیین خواهدنمود

زوج جدید کمپانی مترو!

«رابرت تیلور» باتفاق «سید شاریس» برای اولین باردرفیلمی موسوم به «دخترجشن» . که یك درام رومانتیك است مشغول بازی هستند. داستان دربارهٔ دختر زیبائی است که باهنرپیشهٔ بااستعداد یك کلوب شبانه نردعشق میبازد روسای کمپانی مترو بموفقیت اینفیلم اطمینان کافی دارند وبمجرد استقبال شایان توجه علاقمندان، دست بکارتهیه یکسری فیلم موزیکال اززوج جدید خود «تیلور - شاریس» خواهند شد.

موفقیت بایك فیلم !

«آنا ماریا آلبرتی» ازستارگان کمنام ایتالیائی بود که ازسال ۱۹۵۳ بهالیوود آمدودرچند فیلم موزیکال ووسترن منجمله ستارگان میخوانند ، آخرین فرمان رل هائی ایفاکرد ولی نتوانست کسب شهرت ومحبوبیتی بکند ازاینجهت تاامسال علاقمندان اززیبائی وهنر عجیب وی بی بهره مانده بودند! بعد ازموفقیتی درلاس وگاس، آناماریا بکمپانی مترو گلدوین مایر رفت تا قرارداد بازی درفیلم «ده هزار اطاق خواب» راباتونی مارتین امضاء نماید. بانمایش این فیلم آناماریا آلبرتی خوش آتیه ترین چهرهٔ جدید هالیوود لقب گرفت ونامه های عاشقانه ازاطراف عالم برایش ارسال گردید.

نکته ! نکته !

× «دین مارتین» بزودی در ایتالیا درفیلم «شبهای ناپل» رل اول راایفا خواهد کرد .

+ روابط عاشقانه «رابرت واگنر» با «ناتالی وود» فعلا بجاهای حساسی رسیده‌است، واگنر به خبرنگاران گفته است: «ازدواج ما بزودی درهالیوود بامراسم باشکوهی برپاخواهد شد»

+ طبق خبر تائید شده ، «ماریولانزا» بزودی عازم پاریس خواهدشد تاباتفاق بریژیت باردو درفیلمی بازی کند .

× «جولی لندن» برای ایفای رل «شب طولانی» درکمپانی یونیورسال ، ۴۰ هزار دلار دریافت نمود .

+ کمپانی فوکس تصمیم دارد باشرکت سه خوانندهٔ اطوواری الویس پریسلی ، تامی ساندز وپات بون فیلمی تهیه کند.

سه آلمانی محبوب درهالیوود !

شهرت وموفقیتی که درسالهای اخیرنصیب دوستارهٔ معروف آلمانی نژاد «گرترود ورشرز» و «الیزابت مولر» گردید ، دلالان استودیوها را برآن انگداخت که باحیله وتیرنگهای مخصوص بخود! سومین چهره مشهور آلمانی را بهالیوود کشیده وازشهرت وی چند سالی دلارعجیب بربرند! «ماریان کوخ» آلمانی جدیدی پای بعرصهٔ مبارزه گذارد . ماریان برای کمپانی یونیورسال فیلم [چهار دختر درشهر] را بازی کرد وکنترات طویل المدتی منعقد ساخت . اواکنون بپایهٔ ورشرز ومولر دو ستارهٔ محبوب دیگر رسیده است ، وحالا نوبت چهارمین آلمانی است که دردام دلالان شکار شود!

سناریو: ریچارد سیل ترجمه: کورش بدرهای

کشتی را ترک کنید!

خورشید سرخفام رنگ قرمز تندی در آسمان پراکنده بود ودریا دیگر آرام وبیحرکت نبود باد کم کم قایق را همچون گهواری به جنبیدن وامیداشت و حاکی ازدر پیش بودن مخاطرات بیشماری بود.

آشپز یك انگشتش را در آب تر کرده ودرجریان هوا نگاهداشت آنگاه و از آنچه که فهمید سرا پایش ازوحشت بلرزه درآمد و گفت

ـ خدا بدادمان برسد!

جولی خودرا در بازوان هولمز میفشارد و مضطربانه می پرسید

ـ چه شده هولمز؟

قبل از آنکه هولمز مجالی یافته باشد آشپز بالحنی اندیشناك پاسخ داد

ـ باد مانمان را پیدا کرده.

آسمان سرخ هنگام سپیده دم علامت خطر است در این هنگام دنشا فریاد دیوانه واری از «کلی» برخاست و جولی وحشتزده ببالینش شتافت

داروی مسکن تمام شده بود و کلی پس از اطلاع از این موضوع با مردانگی هرچه تمامتر تصمیم گرفت که کاررا یکسره کند، شاید دست کم خودش از این درد و ناراحتی نجات مییافت

می خواست با این عمل خودسر مشقی برای دیگر افراد قایق شده و آنها که مشرف بموت بودند و تنها باعث بدبختی دیگران می شدند راه کارراشان دهد جولی سعی می کرد که اورا تسلی دهد و هولمز نیز سرش گرم دیگر مجروحین بود که یا از شدت ضعف و درد و یا از شدت گرسنگی کارشان بد دربار کشیده بود خانم اسپنسر ازشدت درد بیهوش شده و کیلگورها هم چیزی بپایان کارشان نمانده بود

یکی از افرادی که در آب شنا میکرد شب قبل درگذشته بود و جنازه اش هنوز نومیدانه قایق را چسبیده بود. دیگر افراد هم ازخواب برخاسته و برای تغییر دسته و گرفتن نوبت در قایق جنجال عجیبی بپا کرده بودند

در اینجا بود که کلی تصمیم گرفت تا زمام کاررا خود بدست بگیرد باجان کندن عجیبی سرپا ایستاد و با مقاومت سرسختانه ای در مقابل آنان که سعی بآرام نمودن وی میکردند بسمت وسط قایق براه افتاد و فریاد کشید

ـ گوش کنید رفقا! من دیگر بدرد نمیخورم! کارم تمام است واو هم دیگر ماندنی است. وسپس به روث اسپنسر اشاره کرد بازادامه داد

ـ هولمز مرد شریفی است و دلش میخواهد جان همه شماها را از مرگ نجات دهد

میفهمید؟ همه تان را! اما متاسفانه باینکار قادر نیست.

بهرصورت شما همه تان دسته جمعی محکوم بمرگ می باشید و تنها راه چاره اش هم کم شدن عده تان است سرنشینان این قایق بیش از حد زیادند.

جولی فریاد کرد: فرانك، خواهش میکنم فرانك، بس کن دیگر خدایا!

فرانك بدون کمترین توجهی ادامه داد

ـ این قایق مخصوص هشت نفر است شاید بتوان دو برابر این عده رانیز در آن حمل کرد اما ما اکنون بیست و شش نفر بودیم

«مکینلی» هراسان فریاد کرد

این حرفها مزخرف است، هیچ فایده ندارد

ـ برعکس عین حقیقت است. کاپیتان ناچار است که دوازده نفر از افراد را مثل بار اضافی در دریا بریزد و بقیه نجات خواهند یافت درغیر اینصورت همگی باهم خواهید مرد!

فرانك رویش را برگرداند و هولمزرا دید که بی حرکت ایستاده و با قیافه ای یاس آلود و سراسیمه نگریست. نفس زنان گفت:

ـ آلك! غذا و آب آشامیدنی را بیجهت برای افراد مریض و ناقص تلف نکن. آنها را هم باخود بداخل قبر خواهند کشید! همه ذخایر را برای افراد سالم و زنده نگهدار و بگذار آنهاکه سالمند شانس نجات داشته باشند وظیفه تو بمنزلهٔ یك کاپیتان همین است آلك، جرئت داشته باش، جرئت! ومن بعنوان اولین سرمشق برای دیگران هم شما وهم خودم را راحت می کنم

وسپس قبل از آنکه کسی قادر بجلوگیری از وی باشد، فرانك خود را ازدرون قایق بآب انداخت و در زیر امواج سهمگین دریا از نظر ناپدید شد همه سرنشینان قایق از این عمل ناگهانی فرانك در بهت وحیرت فرو رفته بودند و تنها در این میان هولمز بود که گولی دردجانگدازی قلبش را فراگرفته بود. مرگ فرانك سرانجام ثابتش کرد که آنچه او گفته صحیح است و باید وظیفه را تا آخرش انجام داد دیگر برایش فرقی نمیکرد که دیگران دوستش بدارند یا از او متنفر باشند، وظیفه ای بود که باید بخاطر حفظ زندگی و سلامت دیگران انجام میبافت. حتی در آستانهٔ اجرای تصمیم وحشتناکش پس از فکر اینکه محکومین بترك کشتی و مرگ در میان دریا از بهترین و فهمیده ترین افراد بودند رنج میبرد و دلش راضی باینکار نمیشد. این افراد عبارت بودند از یك خواننده اپرا، یك نمایشنامه نویس معروف و سرشناس یك عالم زیست شناس که تاریخ واصل بوجود آمدن همه موجودات را مو بمو میدانست و یك نیریکدان شهیر که ممکن بود دنیا از وجودش در آتیه استفاده های سرشاری بکند همه اینها مجبور بودند فدا شوند تا جان یکعدهٔ دیگر که تنها امتیازشان بایمان کردن کلفتی و جان سخت بودنشان بود، جان سالم از مهلکه بدر برند.

بهرحال سرنوشت عنان مرگ و حیات یکعده موجود انسانی را در کف وی قرار داده بود و او نمی خواست در اجرای تصمیمش تاخیر کند چون ممکن بود با سررسیدن طوفان همگی یکباره بدامان مرگ بشتابند.

با چهره ای سرد و بیروح همچون سنگ رو بجولی کرده گفت:

ـ من تصمیم را گرفته ام و بیش از این تاخیر جایز نیست.

جولی وحشتزده بوی خیره شد

ـ آلك، طوری حرف میزنی که گویا بکلی با آن آلك اولی فرق کرده ای، اصلا همه چیزت تغییر کرده آلك!

هولمز بالحنی محکم و بدون تردید ادامه داد:

ـ فرانك حق داشت او راست می گفت!

اشك از چشمان جولی سرازیر شده بود:

هنرپیشگان:

تیرون پاور	در نقش	آلك هولمز
مای زترلینگ	»	جولی
لوید نولان	»	فرانك کلی

کارگردان: ریچارد سیل

محصول: کمپانی کلمبیا

– تو اصلا بحرف منهم گوش نمی‌دهی.

– خوب هم گوش میکنم. می – «هنوز» اما جواب ندارد

صدایش حالتی وحشیانه داشت و کاملا نمایان بود که بین انتخاب عشق و وظیفه در تقلای جانفرسائی بسر میبرد.

– من همان آلک هستم درست همان شخص سابق. اما مگر نمیدانی جولی، موقعیت همه چیز را عوض کرده. زمان از حرکت ایستاده...

جولی با وحشت و اضطراب کسیکه هیولای مرگ را رو در روی خود می‌بیند گفت: زمان برای ابد از حرکت ایستاده.

هولمز می‌کوشید تا دلداریش دهد:

– برای تو نه. مقصود من برای چند نفر دیگر است، نه برای تو.

جولی اندیشناک در جواب گفت:

– مقصود من برای تو بود...

آشپز که گوش بزنگ ایستاده بود تا چیزی از این مذاکرات دستگیرش شود که قادر به بیمه عمر وی باشد گفت:

– می‌فرمودید کاپیتان.

هولمز همچنانکه چشم بجولی دوخته بود گفت:

– میخواهم قایق و زندگی یک عده معین از افراد را از مرگ حتمی نجات بدهم و راهش را هم بخوبی می‌دانم.

آشپز نفس را در سینه حبس کرده بود: نقشه‌تان چیست کاپیتان؟

– میخواهم قایق را بساحل افریقا برسانم.

– با اینهمه بار و آدمیزاد اصلا اینکار ممکن نیست کاپیتان.

– بدون آن چطور؟

– یعنی چه؟ و آنگاه بدون لحظه‌ای درنگ، هولمز رو بافراد کرده گفت:

– رفقا، لطفا توجه کنید، آنچه که من قصد گفتنش را دارم شاید زیاد مطبوع نباشد، پس خواهش میکنم که بدقت گوش کرده و اوامرم را بی چون و چرا اجرا کنید.

هوا خراب است، ملک، نظر تو چیست؟

– دریا طوفانی میشود.

هولمز بتندی گفت:

– کاملا درست است، و اکنون وقت آن رسیده که قایق را سبک کنیم.

بارینگتون غرش کنان گفت:

– من هرگز اینکار را نخواهم کرد.

«خانم نادسن» که گوئی سرنوشت خود را از پیش می‌دانست «ملک» گفت:

گفت. آنچه باید بشود خواهد شد!

هولمز گفت باید فکر چاره‌ای کرد. اگر ما بخواهیم همه چیز را بدست شانس بسپاریم، باید بدانیم که شانسی وجود ندارد طوفان عنقریب همه‌مان را هلاک خواهد کرد و موضوع اساسی اینست که آیا همه با هم باید بمیریم؟ مکینلی فریاد کرد این اصلا موضوع قابل بحثی نیست خانم میدلتن نیز نتوانست خودداری کند و بمباحثه پیوست و بالحنی استهزاء آمیز گفت. خوب کاپیتان شجاع، آیا مردن و ماندن بانتخاب خود است یا خیر؟

– در این قایق دیگر تقریبا نه غذائی داریم و نه آبی افراد ما نیز بسیار زیادند و حرفهای فرانک را هم که بخوبی شنیدید.

مکینلی گفت فرانک دیوانه شده بود.

هولمز بدون تغییر لحن ادامه داد، بعکس بنظر من وی کاملا عاقل میشود و این مسئله را مطرح کرد که آیا همه ما دسته جمعی غرق شویم و یا بعضی خود را کنار بکشیم تا دیگران نجات یابند؟

سالم هولی، جاشوی سیاه پوست از میان آب گفت

– تکلیف ما‌ها که در آب هستیم چه میشود؟

– بهر حال من باید تا آخرین لحظه از شانس زنده ماندن استفاده کنم.

– نه..نه، اینکار را نخواهی کرد. بتو گفتم که بعضی هایمان باید گذشت کنند. این تقریبا فرمان من است دیگر کسی نیز نباید دستش را بطنابهای بیرون قایق بند کند این قایق تحمل اینهمه سنگینی را ندارد «مکینلی» باهراس گفت:

– باید قرعه بکشی هولمز بدان که هیچ احدی داوطلبانه جانش را بخطر نخواهد انداخت.

– هیچ از این جور کارها نخواهیم کرد.

آشپز مثل جن‌زده‌ها پرسید:

– یعنی میخواهید مطابق سلیقهٔ خودتان انتخاب کنید، کاپیتان؟

– کاملا

«مریت» جاشوی دست شکسته گفت هیچ خوب نیست

«استراتون» گفت

– من هم از اینکار خوشم نمی‌آید ولی قانون دریاست باید فداکاری کرد و بهتر است این گذشت را مردها بکنند تا زنها نجات یابند

هولمز دکشید

– بهیچوجه. تنها کسانی زنده خواهند ماند که قادر باشند از اینجا تا ساحل افریقا پارو بزنند کسانی که پس از تمام شدن غذا و آب دچار غش و ضعف نشوند. فقط همین اشخاص زنده خواهند ماند و بس.

«فارلی» گفت

– این عمل را میگویند جنایت.

هولمز گفت

– برعکس این جنایت است که سنگینی اجساد این زخمی‌ها که محققا خواهند مرد باعث سرنگون شدن قایق و مرگ سالم‌ها شود

جولی با چهره‌ای از وحشت همچون گچ سفید شده بود آخرین تیر ترکشش را نیز رها کرد

– هولمز، آخر سهم زنها هستم منهم ضعیف هستم. مرا هم به آب خواهی انداخت؟

همه چشمها متوجه پرستار شده بود که در انتظار جواب به هولمز می‌نگریست

«هولمز» را فشار خرد کننده عشق و وظیفه درمیان گرفته بود و هر آن نزدیک بود از پای در آمده و تسلیم در برابر جولی بود میخواست از تصمیم خویش عدول بکند و موجودات بی مصرف را همراه نگهدارد و حتی در مقابل جولی، پرستار زیبای کشتی نیز استقامت بخرج دهد

جولی سالعی تند که چون ضربه‌ای قطع و موثر بود تکرار کرد

– مرا هم به دریا خواهی انداخت؟

هولمز در جایش میخکوب شده بود بزحمت صدایش درآمد.

– ما بتو احتیاج داریم – تو پرستار هستی

جولی مثل دیوانه‌ها فریاد کرد

– تو دروغ میگوئی، تو تقلب میکنی. تو قانون خودت را نقض میکنی تو مرا دوست داری و بهمین دلیل بدیگران ظلم میکنی.

کلماتش اثر عمیقی روی سرنشینان قایق که عشق سوزان بین آندو شک داشتند باقی گذاشت و سکوت مرگباری بر همه مستولی شد

«آلک» با قیافه‌ای حق بجانب رو بجمعیت کرد و گفت

– بهیچوجه چنین چیزی نیست

و سپس دفعتا جولی را رها کرد و به وظیفهٔ خطرناک خود پرداخت.

فریاد کرد: سام هولی ژاکت نجاتت را درآور و بده من. وحشت بر چهره سیاه پوست غول پیکر سایه افکند.

– اوه آقای هولمز، خواهش می کنم مرا معاف کنید، خواهش میکنم مرا معاف کنید.

هولمز بوی اطمینان داد

– تو سالم و قوی هستی و ما بتو احتیاج خواهیم داشت. آدمی که ژاکت را تن خانم اسپنسر کرده و او را بدریا خواهد انداخت و سپس تو بقایق خواهی آمد.

ناتمام

شورش بی دلیل

اثر = نیکلاس ری

راستی «جیم استارک» که بود؟ همه اورا جوان شرور، هوسباز با بسا افکار شیطانی میشناختند ولی هیچکس نمیتوانست بداند حقیقتا در زندگی چه چیزی کم و کاست دارد؟ پدرش و مادرش او را دوست میداشتند؛ پدرش در بیمه کار میکرد وحقوق چندانی نداشت و مادرش هم در خانه مرتبا شیرینی های لذید میپخت. جیم، دراین میان آزاد بود هر کاری که دلش میخواهد بکند، در کالج های مختلف بتحصیل پرداخت ولی هر بار وسایل ناراحتی والدینش خود را فراهم ساخت. حتی یکبار نزدیک بود روی یک نزاع کوچک همکلاسیش را بقتل برساند هنگام تولد خود، رنج و دردی جانکاه از سرای مادرش بارمغان آورده بود همین موضوع بمجرد افتضاحی که بپا میساخت ناراحتی وبرا تشدید مینمود

در داوسن، جیم بکالج رفت آنروز خیلی سربراه بود. اما چندروز بعد پلیس اورا مست ولایعقل باداره پلیس جلب کرد، بین راه حتی افسر کشیک راهم مورد حمله قرارداده بود؛ طی مدتی که در کلاس درس میخواند با دخترک زیبائی بنام «جودی» آشناشد قیافه دخترک طوری بود که درهمان دیدار اول جیم را مجذوب و مفتون ساخت. یکروز یکی از رفقایش که «بوز» نامداشت باجودی گرم گرفته بود. جیم ناراحت شده و کالج را ترک نمود نزاع وحشتناکی بین او و بوز بیرون کالج درگرفت، شب نزاع همچنان ادامه داشت؛ محوطه تاریک را چراغهای اتوموبیلهای مسروقه رفقایش روشن ساخته بودند، اتوموبیل جیم و بوز در گوشه‌ای قرارداشتند، روبرو یک پرتگاه وسیع بچشم دیده میشد نزاع دو جوان با پرتاب بوز به پرتگاه خاتمه یافت جیم باجودی بخانه برگشتند جسد بوز را بیاد آورد، آیا او مرتکب قتل شده بود؟ آیا او میبایستی خود را تسلیم عدالت کند؟

جیم جریان را با والدینش درمیان نهاد. آنها باو گفتند که هذیان میگوید، جیم از فرط اضطراب باداره پلیس رفت ولی باردیگر مایوس بخیابان بازگشت جودی هم ازخانه فرار کرده بود و پلیس بدنبالش میگشت جیم اورا دلداری داد و باتفاق نزد همکلاس صمیمی اش «پلاتو» آمدند. پدرو مادر پلاتو سالها قبل ازهم جداشده بودند ولله سیاهپوستی اورا بزرگ کرده بود عاقبت، پلاتو با جیم وجودی بخانه متروک وغیر مسکونی رهسپار شدند آنها خیال میکردند اینجا میتوانند آسوده چند روزی را بخوشی بگذرانند غافل از اینکه پلیس عمارت را محاصره کرده بود؛ این خلاصه ای از داستان شورانگیز «شورش بی دلیل» است که کارگردان شهیر «نیکلاس ری» خود بشخصه نوشته وتنظیم کرده است، «ری» پس از آنکه افتضاحات دانشجویان و جوانان کالج های مختلف ایالات متحده درسرتاسر ممالک عالم بپیچید دست بنگارش نوولی، که ذکر آن گذشت، زدوچون برخلاف انتظارش اثر حائز اهمیت و جالب توجهی ازآب در آمد ویسبارت برای کارگردانی این فیلم هیچکس را بهتر ازخود نیکلاس ری تشخیص نداد زیرا تنها او بود که میتوانست نکات کوچک انتقادی این داستان را درفیلم سرگرم کننده خویش بگنجاند

درهمین موقع با نمایش فیلم «شرق بهشت» (اثر الیا کازان) چهره جدید و اعجوبه دهری بنام «جیمز دین» شورشی در جهان بپا ساخته بود؛ ویسبارت بی تامل قراردادی برای ایفای رل «جیم» پسرک یاغی بی دلیل با او منعقد ساخت وچون تیپ جیمز با کاراکتر جیم کاملا برابری میکرد؛ خبر تهیه این فیلم باشرکت جیمز دین باموفقیت تلقی شد «جیمی دین» از بدو ورود بهالیوود آمد و نخستین اثر خود شرق بهشت (۱۹۵۵) را در کمپانی برادران وارنر تحت نظر الیا کازان کارگردان بزرگ سینما بپایان رسانید و با نمایش دومین فیلم خویش (شورش بی دلیل، فیلم مورد بحث ما) بزرگترین اکتور جوان قرن بیستم لقب گرفت و بالاخره بعداز اتمام سومین فیلم خود «غول» (اثر جورج استیونس) همانطور که بی دلیل ازهالیوود سردرآورده بود بی دلیل نیز ازجهان چشم بربست ایفای رل جودی معشوقه جیم را بر به ستاره محبوب و تازه وارد «ناتالی وود» سپردند. ناتالی کار سینمائی خودرا از زمانی که طفل بود شروع کرد فیلم های مال خودما روسری آبی، درست برای تو، ستاره، و یک هوس شهرت زیادی برای وی بدست آوردند با بازی در «جام نقره‌ای» محبوبیت بین المللی کسب نمود و بتازگی نیز باشرکت در آثار پرفروشی چون جستجو کنندگان، تپه‌های سوزان و دختری که او پشت سر نهاد قلب جوانان هالیوودی را مرتعش ساخته است، تا قبل از بازی در «شورش بی دلیل» بهترین و دلخواهترین رل ناتالی نقشی بود که در «درست برای تو» درمقابل بینگ کرازبی ایفا کرده بود ولی بعد از ایفای رل جودی دراین فیلم گفت «من تغییر عقیده داده ام چون رل ایده آلم را در فیلم شورش ایفا کرده‌ام!» رل «پلاتو» را بر قیافه جدید «سال مینو» بازی میکند که بچه خوشگل هالیوود و پایتخت سینما لقب گرفته است!

سناریوی فیلم از «استوارت استرن»، موزیک متن از ساخته های لئونارد روزنمن میباشد، صحنه‌های خارجی و مهم درقسمت های کالیفرنیای جنوبی، مدرسه سانتامونیکا واداره پلیس هالیوود و بالاخره محل معروف سانست بلوارد فیلمبرداری شده است فیلم سینما سکوپ ورنگی «شورش بی دلیل» از برجسته ترین آثار ۱۹۵۵ کمپانی برادران وارنر محسوب میگردد

مه‌پیکران پاریس

باشرکت زیباترین دختران عروس شهرهای دنیا

مادام ورونیک (مادلن رو بینسون) که صاحب یکی از خیاطخانه‌های بزرگ است، شوهری بنام پیر (ایوان دنی) دارد که چندین سال از او کوچکتر می باشد وی استعداد و هنر نقاشی خود را در خدمت خیاطخانه همسرش بکار برده و لباس مدلهای خیاطخانه‌را نقاشی میکند این زن و شوهر بدون تلف کردن وقت با جدیت هرچه تمامتر سرگرم کار خود می باشند. دراین احوال پیر گاهی هم به ویلای ییلاقی خود که در یک دهکده زیبا و سرسبز می باشد فکر میکند در این دهکده انواع وسایل تفریح که مورد پسند او می باشد وجود دارد ، ورونیک هم چنان سرگرم کار خود و راه انداختن مشتریها است

چندی بعد تصمیم میگیرد به کان رفته و تعدادی ازمدلهای خود را در معرض تماشای عموم بگذارد ولی ورونیک بعلت مشغله زیاد از عزیمت باتفاق شوهرش خودداری کرده و پیر ناچار باتفاق چند مانکن عازم کان میشود . در بدو ورود بکان ، پیر که هنوز فرصتی برای انجام مقدمات جشن و ترتیب نمایش مدلهای لباس دارد. تصمیم میگیرد قایقی کرایه کرده و عازم گردش روی دریا بشود ولی بعوض کرایه قایق بایکدختر زیبای خارجی روبرو میشود که همراه باگیتار مشغول خواندن یک تصنیف بزبان هنگری است. زیبائی وصدای گرم دخترک ، پیررا مفتون ساخته و ازاو وقت ملاقات می گیرد.

مراسم نمایش مدلهای لباس با موفقیت تمام برگذار میشود وپس از انجام مراسم دخترک ناشناس که واندا نام دارد باتفاق پیر عازم یک کاباره شده ودرضمن پیر تمام دوستانش‌را بافتخار این موفقیت بشام دعوت میکند. پیر تمام‌شب‌را باواندا میرقصد .

پیر در مراجعت بپاریس تغییر اخلاق داده و بااطرافیانش بخشونت رفتارمیکند تااینکه روزی‌واندا را ملاقات‌میکند واواظهار میدارد که قایق‌خودرا فروخته و باگیتارش عازم پاریس شده و بایک کاباره روسی قرارداد بسته وازهمان‌شب کارش‌را شروع خواهدکرد آنشب پیریک میز برای مشاهده برنامه واندا در کافه رزرو میکند وتاصبح بخانه نمی‌رود درحالیکه ورونیک انتظار اورامیکشد درضمن پیر تمام مانکنهای خیاطخانه راکه بین آنها محبوبیت زیادی دارد دعوت میکندکه باتفاق دوستان‌خود تمام میزهای کاباره رااشغال کرده وباین ترتیب موفقیت واندا را تضمین کنند روز بعد ورونیک وقتی ازقضیه اطلاع پیدا میکندکه پیر برای همیشه اوراترک کرده است .

پیرو واندا برم‌مسافرت می کنند ولی درآنجا باعدم موفقیت روبرو شده نقاشیهای پیربدون مشتری میماند و بااین وضع‌واندایک‌اتومبیل گران قیمت اسپورت خریداری میکند، در خلال این احوال ورونیک برای فراموش کردن پیر سخت‌سرگرم کار خودشده و کلکسیون‌جدیدی را آماده میکند . ازطرفی پیراولین نمایشگاه نقاشی خودرا افتتاح میکند ولی حتی یکی‌از تابلوها بفروش نمی‌رسد وپول‌اتومبیل هم هنوزپرداخت نشده‌است . واندا دریک کاباره بآوازخوانی می‌پردازد ودرضمن یک‌مشتری پولداری‌هم بتور می‌اندازد ووقتی برای‌اومشغول خواندن یک‌آوازعاشقانه میشود ، پیرسرمیرسد و می‌بیند این همان آوازی‌است که برای اولین بار واندابرای اوخوانده‌است

دراین احوال ورونیک باموفقیتهای درخشانی روبرو شده و بوسیله دوستانش اطلاع پیدامیکندکه پیردو ماه است از واندا جدا شده ودروضع فلاکت‌باری بسر می‌برد ورونیک از وضع پیر سخت متاثر میشود ودرعین‌حال ازگناه‌غیرقابل بخشش او نمی تواند چشم بوشی کند. احساسات متضاد عشق‌وکینه درقلب‌اودرهم می آمیزند و اودرمقابل این‌دونیروی عظیم مردد وسرگردان میماند.تااینکه ...

• • •

مه‌پیکران پاریس در ردیف‌یکی ازجالبترین‌فیلم‌های‌سالهای اخیرسینمای فرانسه‌قراردارد هماطور که در بالاذکرشد این‌فیلم‌دارای داستان بی‌سابقه وشورانگیزی‌است که بیننده‌را ازابتدا تا انتها‌درحال نگرانی و تشویش نگاه‌خواهدداشت درضمن‌اگر اطلاع داشته باشید یکی ازمشاغل بزرگ و پردرآمد شهرزیبای‌پاریس وجود خیاطخانه‌ها ومانکنهای خوش‌اندامی است که این‌شهررا بصورت مرکزمد ولباس درآورده است. اکثر این خیاطخانه‌ها برای جلب مشتری و نمایش لباسهای جدیدخود از وجود دختران زیبا و خوش اندامی استفاده میکنند که مانکن‌نام‌دارند ، درفیلم مه پیکران پاریس نیز زیباترین دخترهای‌پاریس که مانکن خیاطخانه های بزرگ و مشهور می باشند شرکت‌دارند ونقش‌حقیقی خودرا دراین‌فیلم ایفا مینمایند.

این‌فیلم درحقیقت برای خانم‌ها مجموعه‌ای‌ازلباس‌های آخرین مد و جالب است که بوسیله مانکنهای حقیقی ارائه داده میشود و برای آقایان‌نیز وجود زیباترین دختر های پاریس کافی است‌که بمدت دوساعت آنهارا‌ازغم‌جهان‌آزادسازد.

لباسهائی که دراین فیلم مانکنها بتن‌دارند، تمام‌بوسیله‌مشهور ترین خیاطان ومدیستهای پاریس‌شده‌است درفیلم«مه پیکران پاریس» ستاره‌قدیمی سینمای فرانسه «مادلن روبینسون» شرکت‌دارد. وی‌از ستارگان باسابقه سینمای فرانسه میباشدکه کارخودرا از صحنه تآتر شروع‌کرده وتاکنون موفق‌باخذ جوایز متعدد سینمائی شده است . «ایواندنی» که‌دراین‌فیلم رل‌مقابل «مادلن روبینسون » را دارد از هنرپیشه‌های بین‌المللی محسوب میشود وی از پدر روس و از مادر انگلیسی‌است . ازفیلم‌های مهم‌اودرانگلیس باید «ملاقات‌خطرناک» رانام‌برد وی‌درکشور آلمان نیز تاکنون‌در فیلم های متعددی شرکت کرده .ازفیلم‌های‌قابل‌اهمیت‌اودرفرانسه‌بعنوان«فروفرو»راذکرنمود.

«مه پیکران پاریس» بطریقه فرانسکوپ که بی شباهت به سینماسکوپ نیست، تمام‌رنگی دراستودیو پاته‌کنسرسیوم فرانسه بکارگردانی «آندره‌هونبل» تهیه‌شده‌است ازاین‌کارگردان فیلم‌های «سه‌تفنگدار» و «دانشجوی شجاع» را در تهران دیده ایم و اینک آخرین فیلم‌اوراکه در ضمن یکی از بهترین آثارش می‌باشد بنام «مه پیکران پاریس» بزودی درسینمای سعدی مشاهده خواهید کرد

ستاره‌ای بوجود میآید

وچگونه نزدیک بود ستاره‌ای غروب کند؟

ستاره‌ای بوجود میآید

وقتیکه «جودی گارلند» ستارهٔ سینمای هالیوود تصمیم گرفت در فیلم «ستاره‌ای بوجود میآید» شرکت کند، شایعات ضد و نقیضی در اطراف وی انتشار یافت وحتی یکی از روزنامه نگاران نوشت «ممکن است جودی باردیگر دچار بیماری عصبی شود واعصاب خودرا از دست بدهد» در محافل ومجالس سینمائی خارج از استودیو این موضوع سرزبانها افتاده بود علت اینکه رل «ستاره‌ای بوجود میآید» را بجودی محول نموده‌اند بواسطه اینستکه باردیگر، بعد ازچند سالی دوری از سینما، این هنرمند برجسته برسر نشاط وذوق آید واستعدادهای خفته‌اش دوباره بیدارشود

اما تمام این شایعات کذب محض بود جودی باوجودی که بگوش خویش می‌شنید او واقعا دیوانه شده، از کارخود دلسرد و مأیوس نمیگردید ومیخواست ثابت کند چگونه یک ستارهٔ دیوانه می‌تواند میلیونها تماشاچی را بحیرت در آورد

درحقیقت، نخستین خبر شگفت انگیزی که دربارهٔ جودی گارلند منتشر شد، پنج سال پیش بود یکی از روزنامه های معروف آمریکا نوشت که جودی اختلال حواس پیدا کرده واورا بتیمارستان برده‌اند. عده‌ای گفتند که او مبتلی بحصبه و کوفته شده و زندگی یکنواخت سینمائی او را بدینجا کشانده است. و این خستگی نیز یکنوع کسالت عصبی است که هر هنرمندی با آن مواجه میگردد. شاید همینطورهم بود و تنها خستگی اندکی اورا علیل ساخته ومدتی از کار وفعالیت بازداشته بود.

هیچ جای حیرت و تعجب نبود وقتی جودی رل اول فیلم «ستاره‌ای بوجود میآید» راقبول کرد. زیرا علاقمندان بیشماری بزندگی خصوصی این هنرمند آشنائی داشتند و خوبی میدانستند ستارهٔ عادی که وجدانی سرگرمی میلیونها تماشاچی را فراهم میسازد آسانی از حرفهٔ خویش دست برنمیدارد. روزیکه فیلم جدید وی آمادهٔ بهره‌برداری گشت هزاران نفر تماشاچی و علاقمند اطراف دوربین فیلمبرداری حلقه زده بودند. با وجودیکه هوا داغ بود بیصبرانه انتظار می کشیدند که ببینند جودی نخستین رل خود رابعد از بیماری چگونه بازی میکند. جودی باهمان خونسردی وتبسم همیشگی خود جلوی دوربین آمد وباهمان شور ونشاط قبلی بهنرنمائی پرداخت. نه تنها تماشاچیان بلکه کارکنان استودیو بیرا از تعجب نمودند [illegible] بازی کرد.

شب سرپوش دارها

طبق خبریکه درمطبوعات سینمائی جهان انتشار یافت، اکثر صحنه‌های «ستاره‌ای بوجودمیآید» راشبها فیلمبرداری میکردند.

خبرنگاران نوشتند علت اینکه این صحنه شبها تهیه میشود بواسطهٔ مرض بیخوابی است که جودی بآن گرفتارشده است هیچکس بیشتر از

جودی باین موضوع نخندید. چون در آنزمان هوای هالیوود بسختی گرم شده بود بدستور کارگردان، صحنه‌های هوای آزاد رادرشبها تهیه میکردند که هوا خنکتر وملایمتر باشد ورقاصان و بازیکنان عرق نریزند!

کارگردان بزرگ

درسال ۱۹۵۴، «سیدنی لافت» تهیه کنندهٔ معروف ازداستان «ستاره‌ای بوجود میآید» نوشتهٔ ویلیام. ا. ولمن ورابرت کارسن فیلمی در کمپانی شخصی خویش بنام «ترانسکونا» دردست تهیه گرفت و کارگردان بزرگ «جورج کوکر» رابرای منظورخود انتخاب نمود. «کوکر» درزمره کارگردانان قدیمی سینماست که طی سالها فعالیت چند آثارفنا ناپذیری بسینما تقدیم داشته وعده‌ای ازستارگان گمنام را باوج افتخار وسربلندی رسانده‌است. وی در نیویورک پای بعرصه وجود نهاد ودر بین جنگ اول جهانی بتحصیل اشتغال ورزید. بعد بگروه نمایش دهندگان سیار پیوست، چند پیسی بی اهمیت کارگردانی نمود وسپس بعنوان کمک کارگردان، در تئاتر - های معروف نیویورک استخدام گردید. اولین نمایشنامه‌ای که در برودوی کارگردانی کرد «گاتسبی بزرگ» (۱۹۲۶) بود که الدزی فرگوسن و بازیل راتبون در آن شرکت داشتند.

کوکر در برودوی هنرپیشگان گمنامی چون اتل بارایمور - جین ایگلز - ومارجوری رامبی را به بزرگترین درجه شهرت رسانید.

درسال ۱۹۲۹ بسینما قدم گذارد ودرسال ۱۹۳۳ اولین فیلم خویش را درهالیوود ساخت پس از

... فیلم ... زنان او چاپ ، ژوئو و ... داستان فیلادلفیا چراغ ... گاز ... زندگی مضاعف ، بچه‌دردسرساز ... ازدواج و الیزابت را بوجود آورد . فیلمهای داستان فیلادلفیا ، ... کار ، زندگی مضاعف و بچه دردسرساز ... ستارگان ... بهترین هنرپیشگان ... را بنام ... جیمز استوارت ، ... کری گرانت ، رونالد کلمن و جودی هالیدی ساخته است . فیلم «ایستگاه بوانی» اثر جدید کوکر اخیرا در تهران معرض نمایش در آمد . تماشای این فیلم و «ستاره‌ای بوجود میآید» فرصتی بشمار میرود که دراطراف سبک کار وی مطالعه‌ای بعمل آید . در حقیقت وی در فیلم دومی دامنه وسیعتری برای ابراز هنر خود در اختیار داشته است .

دو فیلم کوکر موسوم به «دختران» و دیگری «باد وحشی» بتازگی روی پرده سینماهای جهان آمده‌اند . منتقدین فیلم دختران او را با فیلم «یک آمریکائی در پاریس» مقایسه کرده‌اند . بهرحال آنچه را که میتوان پس از تماشای آثار با ارزش جورج کوکر ، واستیل و فرم خاص وی استنباط نمود این استکه بدون تردید نام یک کارگردان بزرگ را به او اطلاق دهیم .

سناریست هنرمند

شاید در هالیوود هیچ سناریو نویسی باندازهٔ «موس هارت» این همه شهرت و محبوبیت بدست نیاورده باشد .

وی درسال ۱۹۳۷ برای سناریوی حائز اهمیت «شما نمیتوانید آنرا باخود ببرید» جایزهٔ مشهور پولیتزر را گرفت و نام خود را در جهان بلند آوازه ساخت . هارت در نیویورک متولد شد و اولین نمایشنامه را در سال ۱۹۲۵ در برودوی تنظیم کرد بعد بترتیب سناریوهای آثار زنده‌ای مثل چهرهٔ موسیقی ، هزار تحسین ، والس بزرگ ، جوبیلی ، مردیکه برای شام آمد ، و زنی در تاریکی را نوشت و بهمین جهت سیدنی لافت داستان با ارزش «ستاره‌ای بوجود میآید» را باو سپرد تا به صورت سناریو در آورد . با اینکه موس هارت بکار جدید خویش صد در صد اطمینان داشت و میدانست با موفقیت روبرو خواهد شد ولی زمانیکه منتقدین عالم بالاتفاق او را «بهترین سناریست» انتخاب کردند سخت تعجب نموده بود .

بازیکنان فیلم

«جودی گارلند» که به علت بازی در فیلمهای بی در پی کمپانی مترو گلدوین مایر به بیماری عصبی مبتلا شده بود بنا بتوصیه پزشکان برای مدتی از سینما کناره گرفت اما برخلاف پیش بینی خبرنگاران ، رل «استر بلوجت» را از فیلم ستاره‌ای بوجود میآید با کمال میل پذیرفت . جودی میگوید :

«مهربانی شوهرم مرا بعالم سینما بازگردانیده» وی همیشه زندگی خود را مدیون شوهرش سیدنی لافت میداند چون او تنها کسی است که در مقابل تمام شایعات استقامت بخرج میدهد و همه وقت با بدگویان و حسودان همسرش مبارزه می کند جودی در فیلم مزبور هنر خود را به بهترین وجهی نشان میدهد بطوریکه عموم منتقدین عقیده دارند بهترین فیلمی است ، وی در مدت هنرپیشگی خویش ایفا کرده است .

خودش میگوید «این داستان از زندگی واقعی منست . ولی استر خواننده‌ایکه بمقام ستارگی سینما میرسد ، مشکلترین رلی بود که تا بحال بازی نموده‌ام »

«شیلا گریهام» نویسندهٔ شهیر آمریکائی میگوید : بقیه در صفحه ۳۰

برنامه آینده

سینمای بزرگ سعدی

(نمایش دهنده بهترین فیلمها)

Mannequins de paris

مه پیکران پاریس

(مانکن دوپاری)

باشرکت:
مادلن روبینسون - ایوان دنی
میشا اور

زیباترین و دلرباترین دوشیزگان پاریس

بالاخره جذاب‌ترین و مشهورترین
شاهکار سینمای فرانسه در ایران
نمایش داده خواهد شد

رنگی
Franscope سینما سکوپ
برای اولین بار بطریقه جدید فرانسکوپ

آقای ناصر گودرزی
« اصفهان »

۱ - اولا انتظار نمی رود مونتگمری کلیفت با مریلین مونرو در فیلمی شرکت کند و البته در صورتیکه چنین اتفاقی پیش آید نام کلیفت را مقدم بر مونرو خواهند نوشت.

۲ - ارول فلین و آلن لد هیچکدام چندان هنری ندارند ولی کاردبار آلن لد خیلی بهتر است و ارول فلین روزهای آخر عمر هنرپیشگی اش را میگذراند و بزودی بازنشسته خواهد شد!

۳ - تا یکماه دیگر اعلام خواهند شد.

آقای حسین خضرائی

۱ - فیلم (مستر رابرتز) برای نمایش در تهران خریداری نشده است.

۲ - شهوت زندگی توسط شرکت دلارام خریداری شده است

۳ - (سایونارا) محصول کمپانی برادران وارنر میباشد و در نتیجه توسط سینمای رکس در تهران نمایش داده خواهد شد

آقای سیروس فردوسی
«تبریز»

پس از تشکر از لطف شما متاسفانه از قبول درخواست جنابعالی معذوریم زیرا آقای «هاشمی پور» سمت خبرنگار رسمی ما را در شهر تبریز بعهده دارند.

آقای رسول خلیل پور

عکس‌های خود را بیاورید البته مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

۱ - «خانمی از شانگهای» سه سال پیش در تهران نمایش داده شد و امکان دارد مجددا نمایش دهند

۲ - علتش را خود ما هم نمیدانیم شاید هم هنرپیشگان مزبور باصطلاح (بد) میاورند!

۳ - نمی توان بدرستی باین سئوال شما پاسخ داد زیرا هر چهار ستاره مزبور بجای خود هنرمند هستند ولی بنظر ما (ویوین لی) بر سه هنرپیشه دیگر برتری دارد

آقای فرزین افشار طوس

۱ - در همین هفته فیلم (شورش بیدلیل) از جیمزدین بمعرض نمایش گذاشته میشود.

۲ - از (جك بالانس) فیلم جنائی «من هزار بار مردم!» در سینمای رکس موجود است.

۳ - دو سال پیش (جیمزدین) در اثر تصادف ماشین بقتل رسید. جیمزدین فقط در سه فیلم شرکت نموده بود که بجز (شرق بهشت) فیلم های شورش بیدلیل و غول امسال در سینمای رکس بمعرض نمایش گذاشته خواهند شد.

آقا یا بانو ر ـ ك

۱ - فیلمهای نامبرده بجز فیلم D.O.A مابقی در تهران نمایش داده شده است.

۱ - فیلم مزبور در تهران موجود نیست!

۳ - البته فکر نکرده‌اند! درصورتیکه فکر میکردند هیچوقت یك چنین اثر بزرگی را بفارسی دوبله نمینمودند!

آقای پرویز آقازاده

از لطف شما متشکریم و گله‌ای هم از تعداد زیاد نامه‌هایتان نداریم!

۱ - هیچ کاری انجام نمیدهد و یك دکان کلاهبرداری است!

۲ - والله ناشناس است و گویا سابقه خوبی هم نداشته باشد

۳ - اطلاعی در اینمورد ندارم

آقای اوانس هروسیان

۱ - آنتونی استیل دل سرباز انگلیسی را در فیلم چادر سیاه ایفا مینمود.

۲ - ودختر شیخ فیلم (چادر سیاه) نیز (آنا ماریا ساندری) نامدارد

بانو پروین عاصمی

۱ - محل سازمان سینه کلوب درخیابان لاله‌زارنو کوچه بالای سینما کریستال میباشد و شما میتوانید بامراجعه بدفتر شرایط عضویت را دریافت دارید. سینه کلوب هدفش بالا بردن سطح معرفت سینمائی است و کارش نمایش فیلم های باارزش گذشته و حال میباشد

۲ - فیلم (باندروا) در تهران تاکنون دو بار نمایش داده شده و انتظار نمیرود باین زودیها بازهم بروی پرده آید.

آقای وازگن قوکاسیان
(اصفهان)

۱ - (برای شرف) اثر شیروان زاده محصول ارمنستان بود و نام هنرپیشگانش فعلا در دسترس نیست «!»

۲ - بدرستی نمیتوان قضاوت نمود ولی گویا فیلم‌های ایتالیائی بهتر باشند! عکس ستاره محبوب ژیگولوهای اصفهان را نیز «شاید» چاپ کنیم.

۲ - (وایدویژن) همان (واید اسکرین) است و ویستاویژن بمراتب بر آن برتری دارد. درباره طریقه ویستاویژن در شماره های گذشته مطالب مفصلی چاپ نموده‌ایم

آقای اسدالله ابوطالب حسینی

۱ - درفیلم (دختر خانه‌دار) ویکتور ماتیور دل (نعش) را ایفا مینمود! ودر کتاب مخصوص هنرپیشگان وشرح زندگی آنها اولین فیلم ویکتور ماتیور (یکمیلیون سال قبل ازمیلاد مسیح) قید شده است

۲ - سیگار فروش فیلم پلیس بین‌المللی (بونار کولینو) نامدارد و ایتالیائیست

دوشیزه پری منصوری

۱ - بهترین فیلم مارلون براندو (در بارانداز) و بهترین فیلم جیمزدین (شرق بهشت) بودند

۲ - آواز مزبور (مردی - ستاره) نامداشت که توسط (فرانکی لین) خوانده شد

۳ - اودری هیپبورن در سال ۱۹۵۳ اسکار گرفت و قرار داد فیلم مزبور قبل از بخش جوائز اسکار امضاء شده بود.

آقای سکولدزاده (اهواز)

اولا کامیابی و سربلندی کارگران و کارمندان ستاره سینما حاصل است! دوما مقالات خودتان را بفرستید تا با چاپ آنها خوانندگان ما مستفیض شوند! سوما اولین فیلم سینماسکوپ (خرقه) نامدارد که باشرکت ریچارد برتن - جین سیمونز و ویکتور ماتیور تهیه شده بود

خدا حافظ!

آقای احمد غلامی

این اولین نامه‌ایست که ازشما دریافت نموده‌ایم شرح حال ویکتور ماتیور را قبلا چاپ نموده‌ایم و عکسش را نیز روی جلد زیارت کرده‌اید:

آقای رشید افراسیابی

حل مشکلات خود را ازما بخواهید ومطمئن باشید بی‌جواب نخواهیم گذاشت.

۱ - جان دیرك اسکار نگرفته و برجسته‌ترین فیلمش لیزا مشهور (گمراه) است

۲ - ازدواج کابور فیلم های (جوری جوری) و (جاگت راهو) درتهران و درانبار سینمای همای موجود است.

۳ - از برت لنکستر فیلم (بازگردشبای کوچك) در سینمای همای موجود است و آخرین فیلمش نیز (آن زیر کاه) نامدارد که فعلا فیلمبرداری آن باتمام نرسیده است

آقای حسن نامدار (تجریش)

ما خیلی خوشوقت خواهیم شد که خوانندگان ما حل مشکلات خودرا ازما بخواهند، و از اینکه شما پس از یکسال و نیم تازه نامه فرستاده اید (دلخور!) شدیم.

۱ - (راکت) نام فیلمی بود که باشرکت رابرت میچم و رابرت راین در سینما کریستال نمایش داده شد

۲ - و آن داستان مفصلی است که نمیشود در اینجا تماما نوشت و (آن کار) بستگی بمبلغی دارد که باید پرداخت شود. ودرصورتی که زیادتر پرداخت شود کمتر صدمه خواهد دید: امیدوارم منظور پی برده باشید

۳ - هنگام مسافرت راج کابور آن قطعه در تهران فیلمبرداری شده بود واما شما میتوانید برای دریافت کارت سینمائی بدفتر مجله مراجعه نمائید

ترجمه : منوچهر طیاب

تاریخ سینمای ایتالیا از سال ۱۹۰۴ تا ۱۹۵۶

گر... رونق کامل ... فیلمهای تاریخی تهیه‌شده در کشور ایتالیا را مورد ... قرار دهیم بخوبی متوجه میگردیم که این هنر ... صعودی خود را طی کرده و در سطح بالاتری قرار گرفته

جای تردید نیست که ایتالیا با تهیه فیلمهای (اولیس) که توسط (ماریو کامرینی) و (اسپارتاکو) و (تئودورا) که توسط (ریکاردو فردا) و فیلم معظم (آتیلا) توسط (پیترو فرانسسکی) و بخصوص فیلم (جنگ و صلح) که در سال ۱۹۵۶ توسط (کینگ ویدور) ساخته شد مقام خود را در بین ممالک دیگر حفظ نموده و باهمیت خود افزود

در بین آثار دیگری که توسط هنرمندان ایتالیائی بمعرض نمایش گذارده شد میتوان فیلمهای ذیل را نام برد :

«ملکه صبا» بکارگردانی (پیترو فرانسسکی) و «غارت شهر رم» توسط (فرد چیو سربو)

تهیه فیلمهای عظیم تاریخی در ایتالیا و ممالک خارجی باموفقیت کامل روبرو گردید و با ایجاد این سری از فیلمها غوغای عجیبی در امر سینمای ایتالیا برپا شد که در حقیقت توجه مردم را باین هنر نشان داد.

حتی بیشتر فیلمهائی که در بالا ذکر شد نتایج تجارتی نیکوئی نیز در برداشت و در بازارهای خارجی با استقبال عموم روبرو گردیدند و منافع سرشاری نصیب تهیه کنندگان ... سود

این فیلمها از لحاظ هنری نیز قابل دقت بوده و ارزش خاصی دارا بودند

گرچه تهیه کنندگان ایتالیائی بعضی مواقع باموانعی برخورد کرده و کار تهیه ایشان معوق میماند معهذا با جدیت و پشتکار فراوان فیلمهای باارزش و صحیحی چون (اسب کوچک) توسط (گوئیدو موررلی) و (فراول آمبا آلاجی) توسط (سلاویو ـ کالراوارا) را تهیه نمودند

جنگ جهانی اول نیز برای تهیه کنندگان منابع مناسبی بشمار میرفت لذا فیلمهای متعددی از اتفاقات آنزمان تهیه و بمعرض نمایش گذارده شد که از بین آنها میتوان (برادران ایتالیائی) توسط (ماوستو سارا سنی) و (افسانه‌های ساوه) توسط (ریکاردو فردا) و «دو بر سپاه» توسط (اورست بیانکلو) و «دلاکر ... » توسط (دبو ... کار ...) را نام برد

فیلمهای متعدد دیگری نیز توسط عده‌ای ... فیلمبرداری گردید که موضوع آن اتفاقات بعد از جنگ بود.

اولین فیلمی که بهمکاری دو کشور ایتالیا و ترکیه تهیه شد (سلطان ناصفیه) نام داشت که در سال ۱۹۵۳ توسط (جی د مارنین) بروی پرده آمد

فیلم (خانه ربکوردو بو) نیز که توسط (کارمین گالونه) تهیه گردید فیلم ... و دیدنی بشمار میآمد

... «موجین دوبا» که توسط (لوئی جی کومنچینی) تهیه شد یکی دیگر از فیلمهای مفرح بشمار میرفت از روی داستان (ماجراهای کازانوا) نیز توسط (استنو) فیلمبرداری گردید که فیلم سرگرم کننده‌ای محسوب میشد.

درمیان فیلمهائی که بهمکاری دو ... ایتالیا و ... تهیه گردید میتوان دو فیلم «لو کرس بورژیا» و «دارادو ... » را ... کارگردانی (کریستیان ژاک) ... دو فیلم ... از جمله ... و زیبا بشمار میآید

در دوره ناطق در کشور ایتالیا فیلمهای جالبی تهیه شد که در بین ... بکارگردانی (گوئیدو بریگنونی) را نام برد.

درمیان فیلمهائی که توسط کارگردانان بزرگ تهیه شدند نا گزیریم که فیلم (رومئو و ژولیت) بکارگردانی (رناتو کاستلانی) و (سنسو) بکارگردانی (لوچینو ویسکونتی) را ذکر کنیم این دو فیلم از لحاظ هنری ارزش خاصی را دارا میباشند که نام آنها در تاریخ سینمای ایتالیا تا ابد محفوظ خواهد ماند.

سبک (الساندرو بلازتی) در فیلمهای «فیرا موسکا» و (ماجراهای روسای ناجی) در دو فیلم (رومئو و ژولیت) و «سنسو» کاملا بچشم میخورد و متوجه این نکته میگردیم که هردو کارگردان یعنی (رناتو کاستلانی) و (لوچینو ویسکونتی) پیرو سبک بلازتی بوده‌اند

... فیلم «رومئو و ژولیت» از لحاظ دکوراسیون و از جهت جنبه های دیگر هنری فیلم بینظیری بوده که تاکنون از روی آثار بزرگان فیلمبرداری گردیده.

فیلم (سنسو) نیز دارای کمپوزیسیونهای عالی و دورنماهای دل فریبی است و صحنه‌های داخلی آن نیز بامهارت و استادی خاصی تهیه و تنظیم شده

با مطالعه فیلمهای تاریخی دوران جنگ متوجه میشویم که کارهای آنزمان گرچه قابل ملاحظه بوده و فیلمهای (نابولا) و (فرانسسکو شاعر ایزدی) محصول آن دوران است ولی ارزش و مقدم فیلم های (رومئو و ژولیت) و (سنسو) از آنها بیشتر بوده لذا درک میکنیم که هنرمند باید آسوده خاطر باشد تا بتواند اثر بدیعی ایجاد نماید.

فیلم معظم (جنگ و صلح) بکارگردانی «کینگ ویدور»

[illegible] صحنه از فیلم (اولیس) بکارگردانی
«ماریو کامرینی»

... از دوران دو جنگ [illegible]
[illegible] های امریکا [illegible]
[illegible] های [illegible]
[illegible] فیلم های ایتالیائی [illegible]
[illegible] آورده و ممالک [illegible]

[illegible]

در گذشته هنرپیشگان تئاترها [illegible] شرکت داشتند در [illegible] امروزه از آنها استفاده [illegible]

میشود برعکس هنرپیشگان [illegible] اطلاعات وسیعی دارند [illegible] رلهای مهم در فیلمها می‌گیرند.

[illegible] ممالک خارجی بر [illegible] در سالهای قبل [illegible] نمی‌توانند فعالیت های هنری [illegible]

در زمان [illegible]

[illegible] عموم هنرهای [illegible] براین هنر [illegible] سالهای اخیر [illegible] کامل از سنگی [illegible] هنر [illegible] در باره فیلم‌های [illegible] سینمای [illegible] فیلم های تاریخی [illegible]

صحنه‌ای از فیلم (رومئو و ژولیت) بکارگردانی
«رناتو کاستلانی»

اکرانهای یک تکه نقره‌ای و مرواریدی

سینما سکوپ ساخت ایتالیا

نماینده در ایران داریوش فیلم

آپاراتهای ویکتوریا ساخت
کارخانه چینه مکانیکا

نماینده انحصاری در ایران داریوش فیلم

برنامهٔ آینده

سینما رکس

عالی‌ترین و معروفترین اثر هنرمند فقید جیمز دین

JAMES
DEAN

جیمز
دین

در فیلم

شورش بی دلیل

سینماسکوپ
رنگی

CINEMASCOPE
WARNERCOLOR

"REBEL WITHOUT A CAUSE"

باشتراک: ناتالی وود - سال مینو

بکار گردانی: نیکلای ری

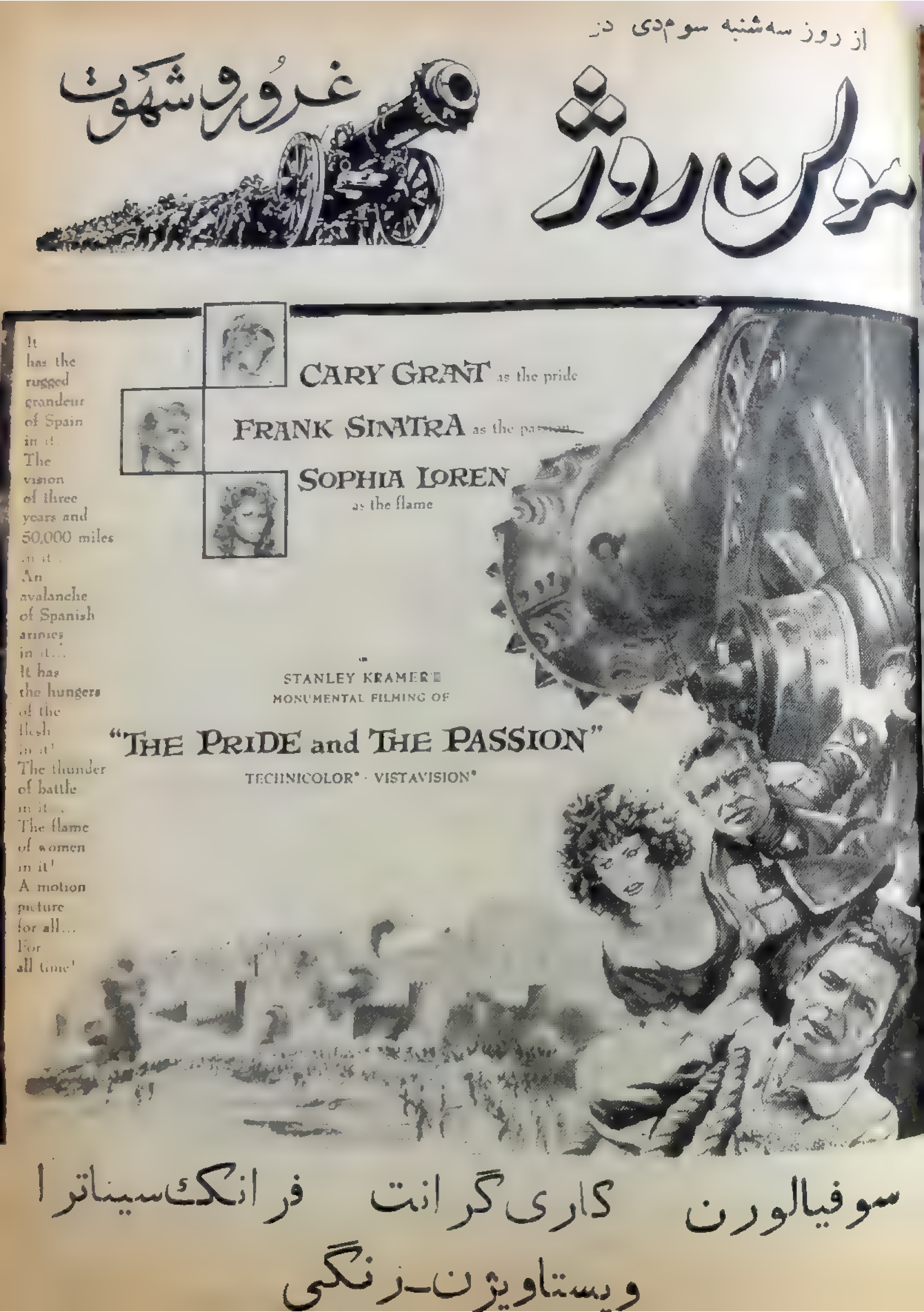

از روز سه‌شنبه سوم دی در
سولن روژ
غرور و شهوت
It has the rugged grandeur of Spain in it. The vision of three years and 50,000 miles in it... An avalanche of Spanish armies in it... It has the hungers of the flesh in it! The thunder of battle in it... The flame of women in it! A motion picture for all... For all time!
CARY GRANT as the pride
FRANK SINATRA as the passion
SOPHIA LOREN as the flame
STANLEY KRAMER'S
MONUMENTAL FILMING OF
"THE PRIDE and THE PASSION"
TECHNICOLOR® · VISTAVISION®
سوفیالورن کاری گرانت فرانک سیناترا
ویستاویژن ـ رنگی

ترجمه: جهانگیر افشار

THE VINTAGE

خوشه‌چینی

-۴-

ـ لوئیز: ناچارم بگویم که هیچکس نمی‌تواند مزاحم «پسر عموهای» من که جیانکارلو نیز یکی از آنهاست؛ بشود

لوئیز یکه‌ای خورد و گفت:

ـ پسر عموی شما؟ از کی تا بحال؟

ـ بله پسر عموی من. چرا تعجب کردید؟ این برای من ناگوار است که آنها از کار بیکار شوند اگر بنا شود که دست از کار بکشند منهم مجبورم که دیگر وظیفه‌ام را انجام ندهم و نتیجه این میشود که دیگران نیز کار نکنند. می ـ فهمید چه می گویم؟ اگر کاملا متوجه مفهوم گفته من نشده‌اید اجازه بدهید عرض کنم که اعتصاب خواهیم کرد.

قیچی خوشه‌چینی را در جیبش گذاشت و باتفاق دوستانش براه افتاد. جیانکارلو و ارنستو نیز درطرف راستش قدم بر ـ میداشتند. همگیشان می گفتند و میخندیدند.

لوئیز که اوضاع را وخیم دید لابه کنان گفت:

ـ ادرادو! صبر کن. نرو. بخاطر خدا. خواهش میکنم. برگرد. نرو...

« ادرادو » برگشت و به «جیانکارلو» چشمکی زد و گفت:

ـ حالا برو سر کار. هیچکس نمیتواند پیش پای شما ها سنگ بیاندازد. صدها بار خوش‌حالتر موازنیکه دست از کار کشیده بودند؛ سر کارشان برگشتند و بخوشه‌چینی تا زمانی که روز بپایان رسید؛ ادامه‌دادند. فقط یکقسمت مانده بود که می بایست خوشه‌هایش را بچینند.

جیانکارلو باتفاق «ادرادو» ودیگران بکلبه‌جویی رفتند.

ارنستو نیز درحالیکه دختر هشت ساله لوئیز را بکول گرفته بود، عازم خانه شد.

دخترك تاچشمش بمادرش که در آستانه در ایستاده بود؛ افتاد و گفت:

ـ این اسب خوبیست و خوب سواری میدهد سپس مانند سوار کاران تکانی بهردو پایش داد و بادو دست گردن ارنستو را اندکی بجلو و عقب برد.

«لئون» ازهمان جا که ایستاده بود تبسمی کرد و گفت:

ـ از آقا تشکر بکن چرا اذیتش میکنی؟

زود برو تو ودست وصورتت رابشوی.

بچه فورا اطاعت کرد و داخل خانه شد و آندو را تنها گذارد.

***

پس ازرفتن بچه لحظه ای سکوت بین ایشان حکمفرما شد هیچ کدامشان نمیدانستند چگونه این سکوت را بشکنند. عاقبت لئون گفت:

ـ جوانها بهترین ومعصوم ترین موجودات عالم خلقت میباشند؛ آهی کشید و ادامه‌داد:

ـ اما عیبشان اینست که زود بچیزی دل می بندند. بصورت «ارنستو» چشم دوخت ودید که ناراحت است لئون بهیچوجه قصد نداشت که ارنستو را ناراحت کند، لذا گفت:

ـ عیبشان را گفتم؛ حسنشان راهم بگویم و آن اینکه افراد ناشایست هرگز علاقمند نمیشوند وعشق نمی ورزند.

ارنستو بتلخی گفت:

ـ شاید اگر افراد ناباب سر راهشان پیدا شود؛ بایشان زودتر مأنوس گردند. اینطور نیست؟

«لئون» بی اختیار بازوی ارنستو را چسبید و بسرعت بدون اینکه لحظه ای فکر کند گفت:

ـ ارنستو؛ آیا ناراحتی داری؟

ـ نه؛ . ابدا؛

البته دروغ می گفت و اوضاع روحیش بهیچوجه رضایت بخش نبود.

«لئون» اخمهایش رادرهم کشیدو گفت:

ـ تودرایام جنگ روزهای سختی را گذرانده‌ای. مگر نه؟ امادر نظر بگیر که در آن موقع خیلی کوچك بودی و سربازی اصلا بهت نمی آمد.

ـ بله؛ خیلی کوچك بودم. فقط پنج سال داشتم که منزلمان بوسیله بمب ویران شد. شش ساله بودم که در کوچه‌ها وخیابانها نارنجك پرتاب میکردم؛ وقتیکه نه ساله شدم.

شانه‌هایش را تکان داد و بسردی افزود:

ـ چه حاصلی دارد که باشرح زندگی خودم سرتان را درد بیاورم. بالاخره هرچه بود گذشت و من و جیانکارلو بزندگی معمولی و پیش پا افتاده‌ای، که اکثر مردم مجبور بادامه اش هستند؛ ادامه دادیم.

ـ مثل اینکه خیلی به جیان ـ کارلو علاقمند هستی؟ نه؟

ـ بله؛ زیرا اوتنها کسیست دراین دنیا که برای من مانده لیکن.

برای نخستین بار مستقیما درچشمهای «لئون» نگاه کرد و جمله اش را اینطور پایان داد

ـ لیکن برادر تنها برای آدم کافی نیست؛ انسان احتیاج بموجود دیگری غیراز برادر و خواهر و فامیل دارد.

دستش را درجیبش فرو برد و انگشتانش را دور شیئی که در آنجا بود حلقه کرد. آن شیئی سوزنی بود که باچوب درستش کرده بودند. گونه‌ای بسان گونه لئون وچشمی باحالت مانند چشم او داشت. ارنستو این سرخراطی شده‌را همراهش آورده بود؛ باین امید که آنرا به لئون بدهد.

لیکن « لئون » چنان «اوکازیونی» به ارنستو نداد که بتواند هدیه‌اش‌را تقدیم کند. چه پس ازگفتگوئی که بینشان ردو بدل‌شد؛ لئون گفت:

- آقای ارنستو! خیلی خیلی متشکرم که زحمت کشیدید و دخترم را روی کولتان باین جا آوردید.

دیگر صبر نکرد. در را بست و رفت.

بیرون از محوطه خیاط دهقانی، ارنستو برادرش را دید که در طول رودخانه پیش میآمد.

- کجا بودی؟ تمام جا را زیر پا گذاشتم که پیدایت کنم. ارنستو! هیچ میل ندارم ترا دفعه دیگر اینطرف‌ها ببینم.

ارنستو با بی‌قیدی گفت:

- خوشبختانه هنوز زندانی نیستم! وانگهی اینها چیزی درباره‌ما نمیدانند. آن زن...

برگشت و بطرف خانه نظری انداخت و ادامه داد:

آن زن خیلی حساس است و سر از همه‌چیز درمیآورد. اعتماد عجیبی باو پیدا کرده‌ام.

- آیا آن «سرخراطی» شده را باو دادی؟

ارنستو آن‌را از جیبش بیرون آورد و گفت:

- نه هنوز

- میل ندارم آن‌را باو بدهم اسباب زحمتش خواهد شد و شوهرش با او جر و بحث خواهد کرد.

- من بشوهرش چکار دارم بمن چه مربوط است؟

جیانکارلو با التماس افتاد که:

- ارنستو! فکر کن که ما در چه موقعیتی هستیم و چرا اصلا باین‌جا آمده‌ایم. بده پیش من باشد.

- نه! نمیدهم

با حرارت گفت:

- داداش! من در زندگی هدفی جز اینکه ترا در مقابل حوادث پشتیبانی کنم و وسایل آسایشت‌را فراهم سازم، ندارم. اگر چنانچه باین گفته معتقد نیستی رک‌وراست بگو تا بخیال خودت بگذارم تا هر کار که دلت بخواهد بکنی و اگر مرا برادری خیرخواه میدانی؛ بمن اعتماد داشته باش. زودباش آن‌را بده بمن. بدون اینکه منتظر جواب ارنستو بشود آنرا از دستش قاپید و در جیب کت‌مندرسش گذاشت و برگشت که برود.

ارنستو مثل حیوانات، با یك پرش، خودش را از عقب روی جیانکارلو انداخت. مثل گربه پنجه می زد و لباسش را می‌درید و با صدای خشك و دورگه ای فریاد می‌زد:

- بده‌بمن. بده‌بمن.

«جیانکارلو» با حرکتی اورا بزمین انداخت و نفس‌زنان در حالیکه اشك در چشمانش حلقه‌زده بود گفت:

- چقدر خوب بود هنگامی که بمن حمله کردی؛ کاردی هم در دست میداشتی

کمی صبر کرد تا التهاب برادرش فرو بنشیند. او را همانطور که نقش زمین شده بود وازشدت خجالت سرش را نمیتوانست بلند کند؛ نگاه می کرد.

ارنستو بالاخره بصدا درآمد و گفت.

- کارلو مرا ببخش. من در حکم بار سنگینی هستم که تو بدوش کشیده‌ای. اگر بخاطر من نبود.

- مثل احمقها حرف نزن!

- باید بگذاری پلیس ها بیایند ومرا دستگیر کنند آن‌وقت همه مصائب پایان میپذیرد و تو فردی آزاد خواهی بود.

جیانکارلو کمکش کرد که از زمین برخیزد. زمزمه کنان گفت:

- داداش! داداش عزیزم! اینطور حرف نزن. خواهش میکنم. بعد ارنستو را که چون ابر بهاری اشك می‌ریخت وقادر نبود حتی جلو پایش را تمیز بدهد، تاکنار رودخانه همراهی کرد.

«سرچوبی» نیز پس از اینکه چندبار دور خودش چرخید روی چمن‌های له‌شده اندکی آنطرفتر در گوشه‌ای متوقف شد.

☆☆☆

در کلبه هیاهوئی برپا بود و آنها همانطور که نزدیك میشدند؛ میدیدند که «ادرادو» باتفاق پسرعموهایش جلوی در صف کشیده‌اند ودرمقابل آنها دریك‌ردیف لوئیز و برادرش آندره‌ماری‌زن آندره‌و پسرشان «اتین» ایستاده‌اند.

آنطور که ظاهرا میشد حدس‌زد نزاع بتازگی آغاز شده بود.

«ماری» فریاد میزد.

- گوش‌بده آی‌دزد. امروز سه‌عدد از بهترین جوجه‌های من ربوده‌شده.

« ادرادو » خیلی با وقار وضمانیه گفت:

- کاری‌ندارد. مارا بگردید وتمام اشیائمان‌را زیرورو کنید اگر میل داشته باشید لباسهایمان رانیز درمیآوریم تاخوب بتوانید همه‌جا را بازرسی کنید.

«اتین» خودش را وارد مشاجره کرد و گفت.

- اینکار شوخی بردار نیست هم‌اکنون پلیس را از ماجری مطلع خواهیم ساخت

« ادرادو » بطرف لوئیز برگشت و گفت:

- آقای لوئیز مودن! بشرافت من توهین شده: من نمیگویم که از خوردن جوجه بدم میاید، ...

کلامش را ناتمام گذاشت و دیگر حرفی نزد. لوئیز مستقیما چشمهایش خیره شد و پیش خودش در حالیکه تردید از وجناتش هویدا بود؛ گفت: آیا این مرد شرافتمند است؟! و آیا آنطور که میگوید حیثیتش لکه‌دار شده‌واز این بابت ناراحت گردیده؟

- بسیارخوب! حالا موقع مرافعه وبگومگو نیست. فقط یك چیز میخواهم بگویم. درست گوش کنید. اگر مرتبه دیگر نقصانی در تعداد جوجه‌ها حاصل شود بهر ترتیب از اجر تتان میکاهم و ...

لحظه‌ای مکث کرد و سپس افزود:

- و بعدخودم شخصا خوب خدمتتان میرسم بطوریکه یك مثقال گوشت حتی برای نمونه در تنتان یافت نشود.

دراین‌وقت «ادرادو» فریاد کشید:

- منم بشما دراین تنبیه کمك میکنم.

سر و صداها خوابید و خانواده لوئیز از آن جا دور شدند.

«ادرادو» بمحض رفتن آنها وارد کلبه شد و خنده برلب گفت:

- بسیارخوب بچها! حالا صف بکشید ببینم

پس از صادر کردن این دستور سه‌جوجه کباب‌شده را که لای برگ پیچیده بود تابویش بمشام برسد، جلوی آنها گرفت و گفت:

(ناتمام)

پیر آنجلی . . . لوسین

مل فرر . . . جیانکارلو

جان کار . . . ارنستو

میشل مورگان . . . لئون

سینماسکوپ . محصول کمپانی مترو گلدوین مایر .

کارگردان: جری هپمن تهیه‌کننده: ادوین . اچ . نوبف

ستاره‌ای بوجود میآید

«ممکن است برای جودی گارلند امکانی مهم‌تر بوجود نیاید» منتقد مجله معروف «ردبوك» اضافه میکند

«جودی گارلند بزرگترین رل خویشرا ایفا کرده است»

«جورج کوکر» کارگردان فیلم که برای بار دوم ... اجرای ... در جشن ... هشتادمین سال ... بوجود دید، میگوید

«از همان لحظه که جودی را دیدم مجسم شده فیلمی از وی که ستارهٔ فیلمهای موزیکال بود. کارگردانی که در آنوقت من فیلمهای درام و کمدی تهیه میکردم هیچ کسی مثل او نمیتوانست آواز بخواند ومن امیدوار بودم اکترس بزرگ فیلمهای دراماتیك نیز بشود» کاراکتر «نورمن مابن» اکتور مشهور را «جیمز میسون» اکتور بزرك وتوانا ایفامیکند. این مرد با چشمان درشت صورت بهن خود (اعجوبه به نام ممی) نامدارد. درطی مدت مدیدی که این اکتور شهرت روزافزون یافته، هیچوقت نسبت بانتقادی که از او میشده بانحوی که از او میکردند توجه نداشته است ... منشی میسون دسته‌ای از روزنامه‌هارا که در آنها تمجید و انتقاد از بازی وی شده‌بود، بدستش داد میسون خیلی آرام گفت

«ممکن است خواهش کنم این روزنامه‌ها را برای خویشانم بفرستی، تا آن‌ها را زیردیك بگذارند.» منتقدی پس از تماشای فیلم «ستاره‌ای بوجود میآید» نوشت: «باندازه بازی این اکتور دردنیا قدرتی وجود ندارد.» میسون در خصوص نقش خود میگوید «من میبایستی بخاطر داشته باشم که نورمن ماین، جیمز میسون نیست درهر نقشی شما میتوانید بخاطر داشته باشید شخص دیگری هستید. امادر این فیلم چه عرض کنم زیرا نورمن ماین هم اکتوری مثل خود من است.»

«جك کارسون» در رل مات لیبی سومین هنرپیشه مهم فیلم میباشد. باوجود هنرمندانی مانند جودی گارلند وجیمز میسون باز نام جك بعنوان اکتورهنرمندی برده میشود وحتی منتقدین مهم باشعار درجه‌دوم سال داخل ... میدانند

این محبوبیت وشهرت را با بهدور بازی آوازه‌خوانی اوجستجو کرد. خود جك کارسون میگوید بخشی که رل مرا جلوی دوربین‌ها اما مسموده بین ... دقیقه متوجه شده‌که فیلم‌بردار فیلم برداری ... جشنی چهره‌مرا میگرد ... ماجارا ... اختیار کرده‌ودر گوشه‌ای ... «چارلز بیکفورد» اکتور مشهور ... دارد ... وی ... هنر ... بیکفورد ... و بعضی ازروزنامه‌ها ... اورا « ... بیکفورد» لقب داده‌اند مع‌هذا هیچوقت ازانتقادات آنها هراسیده ومیگوید «زندگی یك اکتور ... میکند ... دارد.»

... بیکفورد بیست سال است ... سرو کار دارد و ... در اوج شهرت ... همچنین «... » ... آقایان موطلائی ... را ترجیح میدهند باارائه نقش قابل توجهی مورد توجه قرار میگیرد «لوسی مارلو»، «آماندا بليك» و «ربچارد دوب» سایر بازیگران فیلم هستند.

سازندگان فیلم

«ستاره‌ای بوجود میآید» توسط سیدنی‌لافت شوهر جودی گارلند وکمپانی برادران وارنر به صورت رنگی وسینماسکوپ ساخته شده‌است شش‌قطعه آواز دلپذیر، که‌مهمتر ازهمه «دنیای تازه‌ای است» و «برای چه من اینجا هستم» میباشند بوسیله هارولد آرلن وایرا گرشوین ساخته‌شده. وموزیك متن راهم آهنگساز معروف استودیو وارنر ری‌هیندورف اجرا کرده‌است رقص های فیلم بوسیله ریچارد بارستو تنظیم گردیده وفیلمبرداری آنرا نیزسام لیویت انجام داده است

منتقد روزنامه «نیویورك هرالدتریبون» در بارهٔ ارزش اینفیلم اظهار نظر کرد: «ستاره‌ای بوجود میآید باشتراك جودی گارلند وجیمز میسون یکی از آثار نادر سینمای آمریکاست که درهر محفلی از آن سخن خواهد رفت»

از پرویز نوری

بررسی فیلمهای ۱۹۵۷

Bermuda affair
ماجرای برمودا (درام)

دی. سی. آ.

ماجرای چند خلبان آمریکائی ویك زن عکاس وچند پرستاردر کره موضوع این فیلم‌ملودرام را تشکیل میدهد

تهیه کننده فیلم کولیج ادامز میباشد و ... آنرا ادوارد ساترلاند انجام داده‌است

خوب — الن ویدم
اوت/۱۹۵۷ - ۸۸ دقیقه
کیم هانتر — گری مریل

Street of sinners
خیابان گناهکاران (ملودرام)

یونایتدآرتیستس

جورج مونتگمری هرپیشه فیلمهای وسترن دراینجا نقش یك پلیس از جان گذشته‌ ... را بر عهده دارد. کارگردان این فیلم جنائی که درخیابانهای نیویورك فیلمبرداری شده ویلیام برك میباشد

خوب — جیمز جرالد
سپتامبر ۵۷ - ۱ - ۷۶ دقیقه
جورج مونتگمری - جرالدین بروکس

بقیه در صفحه ۳۴

بزودی

رقص روی یخ

رنگی

قصر ... بزرگترین آثار سینمای چند سال اخیر آلمان

پلازا

مجلل ترین سینمای پایتخت

برنامه آینده

دنیا

بزرگترین سینمای ایران

بود آبوت ـ لو کاستلو

مشهورترین ومحبوبترین زوج کمدی امریکا درعالی ترین شاهکار خود

(مسافرت بکره مارس)

باشرکت ستاره طناز ومحبوب عالم سینما مری بلانشارد

در کره مارس چه میگذرد ؟

بود آبوت لو کاستلو شمارا بتماشای زیبایان مارس دعوت میکند

مسابقات ستاره سینما

آنتظیم کننده : بهارلو

جدول سینمارکس

افقی

۱– کارگردان فیلم‌های «بیبکی» ، «درختی در بروکلین میروید» و «قرارداد شرافتمندانه»

۲–ستاره ایتالیائی ساکن هالیوود

۳ – برای نخستین بار سینمارکس سال گذشته موفق شد که این فیلم را همراه با ۵۸ کشور دیگر در یکشب بروی پرده بیاورد–سینمارکس نمایش‌دهنده این اثر بزرگ در فصل سینمائی امسال خواهد بود.

٤ – یك فیلم از «الیا کازان»

عمودی

۱ – هنرپیشه‌ایکه اورا « سلطان خنده » نامیده‌اند

۲ – یك فیلم باارزش تربیتی باشتراك « آن فرانسیس » و «پاهنربد»

۳–قهرمان محبوب فیلم های جوبال و گیلدا

٤–سینمارکس نمایش‌دهنده بهترین فیلم‌های این کمپانی نیز می باشد.

به ۲۰ نفر ازکسانیکه جدول فوق‌را صحیح حل نموده و همراه با ۳ ریال تمبر باطل نشده بدفتر مجله ارسال دارند بحکم قرعه بهر کدام یك بلیط افتخاری سینمارکس بعنوان جائزه داده‌خواهد شد

برندگان مسابقه (زوجه آسیابان) (شماره ۱۳۶۵)

۱ –آقای احمد قرجه داغی (تبریز)

۲–آقای باقر رستمی (مشهد)

۳–آقای کورکن درفرابتیان (تبریز)

پاسخ صحیح–سیلوانا پامپانی نی

معلومات سینمائی خود را بیازمائید

۱– تهیه کننده‌ای که در سال ۱۹۵۱ موفق باخذ جایزه اسکار شده چه نامدارد ؟

۲– نام دوفیلمی که با شرکت «هوارد داف» و «بکی دار» تهیه شده چیست ؟

۳ –ازداستانهای اشتفن تسوایك گوستاو فلوبر– مارك تواین و چارلز دیکنز فیلمهائی تهیه شده است . نام این فیلم‌ها چیست ؟

٤– کارگردان فیلم «میکده جامائیکا» چه نام‌دارد؟

٥– رل‌مقابل «روت رومن» رادرفیلم‌های «کولت ٤٥» ، «همسر خطاکار»، «دالاس»، «سنگر ومارامارو» کدام‌هنرپیشگـان بعهده‌داشته‌اند ؟

پاسخ درشمارهٔ بعد

برای تهیه شماره‌های گذشته مجله ستاره‌سینما و همچنین خرید عکسهای زیبای هنرپیشگان محبوب خود به

لوازم‌التحریرفروشی

ژاندارك

خیابان منوچهری مراجعه نمائید

پاسخ صحیح (سوفیالورن)

برندگان مسابقه زیبای آشنا (شماره ۱۳۶٥)

۱ – دوشیزه سیمین جوادی (تهران)

۲ – آقای کریم شوشتری (تهران)

سینما تهران برنامهٔ آینده سینما دیانا

نمایش دهنده بزرگترین محصولات دنیا

بریژیت باردو ستاره آتشپاره در عالیترین شاهکار خود نور مقابل

یك درام خارق العاده و موثر

یک اثر اجتماعی و انتقادی

فیلمیکه رکورد فروش فیلمهای همنوع خودرا

خواهد شکست

بررسی فیلمهای

بقیه از صفحه ۳۰

Gunsight Ridge

گانسایت ریج (وسترن)

یونایتد آرتیستز

داستان فیلم در آریزونا سال ۱۸۸۵ اتفاق میافتد گانسایت ریج نام محلی است که قهرمان فیلم برای آخرین بار با حریف خود روبرو میشود توسط رابرت مراسلر بکارگردانی فرانسیس لیون و باشرکت جوئل مک‌کری مارک استیونس، جون ولس تهیه شده است

قابل دید ـ والتر بروکس
سپتامبر ۱۹۵۷ ـ ۸۵ دقیقه
جوئل مک‌کری ـ مارک استیونس

The parson and the Outlaw

کشیش و یاغی (وسترن)

کلمبیا ـ تکنی کالر

آدمکشان حرفه‌ای قرن گذشته در این فیلم کنار یکدیگر جمع شده‌اند آنتونی دکستر در نقش بیلی دکید و سونی تافتز در نقش جك اسلیه برای قتل نفس با یکدیگر مسابقه میدهند این محصول درخشان کمپانی کلمبیا توسط بادی راجرز و رابرت جیلبرت بکارگردانی الیوردریک تهیه شده است

قابل دید ـ نرمان موریس
سپتامبر ۱۹۵۷ ـ ۷۱ دقیقه
آنتونی دکستر. سونی تافتز

Enemy from space

دشمن از فضا (فانتزی ـ علمی)

یونایتد آرتیستز

سناریوی مبتذل این فیلم توسط نیگل نیل و وال گست نوشته شده شخص اخیر با کارگردانی حیرت‌انگیز خود از آن فیلم مبتذلتری بوجود آورده است. تهیه کننده آنتونی هیندز نام دارد

قابل دید ـ نرمان موریس
سپتامبر ۱۹۵۷ ـ ۸۴ دقیقه
برایان دانلوی ـ ویلیام فرانکلین

Cartouche

کارتوش (تاریخی)

آر ـ ك ـ او

این فیلم در ایتالیا ساخته شده و ریچارد بیسهارت قهرمان ماجری که متهم بقتل است در زیر نقاب و تحت نام مستعار «کارتوش» برای پیدا کردن قاتل حقیقی تلاش میکند. بکارگردانی استیو سکال توسط جان ناشت تهیه شده است

قابل دید ـ نرمان موریس
سپتامبر ۱۹۵۷ ـ ۷۳ دقیقه
ریچارد بیسهارت و پاتریشیا راك

در دور و بر استودیو

مافروش قابل توجه‌ای روبرو شد و بالاخره تا اینکه نمایش آن در تهران با تمام رسید امادیگر خبری از پرداخت مابقی حق تالیف سناریو نشد و هرقدر برای دریافت آن دوندگی کرده کمتر بوصول آن نائل شده

تا اینکه چندی پیش صاحب و فیلم بردار ... بنام ... که ... را از حضرت عباس ...

در این مدت یك محکمی ... که با این ترتیب دیگر چطور میتوان باشخاص اطمینان کرد حسین خان سخت ناراحت شده بود باو گفتم خودتان را ناراحت نکنید این مسائل در کشور گل و بلبل زیاد تازگی ندارد سالها است که رك و پوست و جان ما با این حقه و بامبول‌ها همراه بوده است

حسین مدنی با تمام این گرفتاریها قصد دارد بزودی تروپ هنرپیشگان نمایش اسمال را بخوزستان و آبادان ببرد و بطوریکه میگفت از ۳۰ دیماه سال جاری نمایش اسمال در سینما تاج آبادان روی سن خواهد رفت. در این سفر عباس مصدق (اسمال خان) در التزام رکاب خواهد بود

اخیراً اطلاع حاصل شده است که کتاب معروف اسمال در نیویورك مدتی وسیله مقامات آمریکائی بزبان انگلیسی ترجمه میشود و احتمال دارد با انتشار کتاب بزبان انگلیسی برای او شهرت بیش از حدی کسب کند.

با این ترتیب گویا ستاره اقبال حسین خان بدرخشیدن افتاده وما امیدواریم این نویسنده مبتکر و باذوق بهمان ترتیبی که در مطبوعات موفقیت حاصل نمود در امر سینما نیز به پیشرفتهائی نائل آید.

The unearthly

موجود آسمانی (فانتزی)

ریپابلیك

پروفسوری باتفاق دستیار زیبایش سعی میکند آب حیات را پیدا کند بروك پمبرتن تهیه کننده و کارگردان فیلم است.

قابل دید ـ نرمان موریس
ژوئیه ۱۹۵۷ ـ ۷۳ دقیقه
جان کارادین و آلیسون هیز

برنامهٔ آینده سینما همای

کی برد کی باخت

باشتراك

دیو آنند   نوتن

این فیلم در هندوستان بادقت و توجه خاص بفارسی دوبله شده و ازجمله شاهکارهای انتقادی واجتماعی سال بشمار میرود

بزودی

بزودی

سینما تهران

نمایش دهنده بزرگترین محصولات دنیا

بزرگترین اثر پلیسی جنائی صنعت سینمای فرانسه

دخترها بپرهیزید

اثر کارگردان

بزرگ

ایو

آلگره

باشرکت

روبرت حسین

هنرپیشه ایرانی الاصل

آنتونلالو آلدی

ستاره زیبای ایتالیائی

«شرکت مه نور فیلم»

(دوئت) خیلی براننده و مطبوع میگردد. رنگ آمیزی (آنسکو کالر چاپ تکنی کالر) بعلت دقت و توجهی که در انتخاب رنگ پوشش هنرپیشگان و دکورها بکار رفته جلوه فراوانی بفیلم داده است.

بررسی فیلم‌های هفته

از ... (رقاص)

بوسه اعتراف

تهیه کننده (جک کامینگز) کارگردان (جورج سیدنی)

اقتباس از نمایشنامه‌ای بقلم (سام و بلا اسپیواک)

بازیکنان

کاترین گریسون (لیلی وانسی - کاترین) هوارد کیل (فرد گریهام - پتروچیو) آن میلر (لوالین - بیانکا)

یک تماشاچی هنگامیکه بمشاهده فیلم موزیکال میرود از این بابت مطمئن است که در ضمن دیدن فیلم حوصله اش سر نخواهد رفت و خسته نخواهد شد. تدرمسلم رقص و آواز رقاص‌ها و خواننده‌ها توجه او را هرطور باشد جلب نموده و احساسات بینائی و شنوائی او را سرگرم خواهند ساخت و این حقیقتی است که هالیوود از نخستین روز پیدایش ناطق بآن ایمان آورده و تاکنون از آن استفاده کرده است

برای کمپانی‌های سازنده فیلم در هالیوود بسرور ثابت شده که برای حفظ موقعیت خود لازم است هر ساله یک سوم پرودکسیون خود را بمحصولات وسترن، یک سوم دیگر را بآثار موزیکال و یک سوم باقی مانده را بفیلم‌های متنوع دیگر اختصاص دهند و باتوجه باینکه در هالیوود بیش از ده کمپانی عمده موجود است که هر یک در سال در حدود پنجاه فیلم تهیه میکنند میتوان تخمین زد که تعداد محصولات وسترن و موزیکال سینمای آمریکا چه ارقام بزرگی را تشکیل میدهند

اما همانطوریکه از همه این محصولات بیشمار وسترنی که کارخانه‌های هالیوود شب و روز بیرون میریزند تنها تعداد انگشت شماری توانسته‌اند در تاریخ سینما منزلت و مقامی برای خود کسب نمایند آثار باارزش موزیکال نیز بینهایت معدود و کاملا متمایز میباشند

«بوسه اعتراف» با وجود اینکه فیلم جالب سرگرم کننده و مجللی است اثری نیست که مدتهای مدید در خاطره‌ها باقی بماند و یا در تاریخ سینما از خود نامی باقی گذارد. جورج سیدنی یکی از کارگردانان مهم معتبر و وارد آمریکائی است و در ساختن فیلم‌های موزیکال نیز تا اندازه‌ای تجربه دارد - در سال ۱۹۵۰ فیلم جالبی بنام «آنی تفنگت را بردار» بوجود آورد که مورد توجه قرار گرفت - ولی با این همه نمیتوان برای کار او مخصوصاً در مورد ساختن فیلم های موزیکال ارزشی همپایه کار مردانی چون مینلی، دانن و والترز قائل شد.

سیدنی در اینجا سبک و استیل مهمی از خود نشان میدهد و در اواسط فیلم هنگامیکه جریان قدری آشفته تر میشود بکلی دست و پای خود را گم میکند: عصبانی شدن کاترین گریسون بعد از مطالعه کارتی که هوارد کیل برای آن میلر نوشته - دو قمار بازی که برای گرفتن پول خود مراجعه کرده‌اند - مربوط ساختن جریانات خصوصی پشت پرده باموزه نمایشنامه - رسیدن نامزد پولدار گریسون - رفتن آنها و سپس مراجعت گریسون تا اندازه‌ای ناشیانه و مبهم پرورانده شده‌اند

بعضی از سکانس‌های فیلم بتنهائی و مستقلا واقعا بیمطیر هستند؛ بالنی که آن میلر و تامی رال باتفاق دو زوج دیگر اجرا مینمایند از نقطه نظر کرئوگرافی حائز اهمیت است و صدای هوارد کیل (باریتون) و کاترین گریسون (سوپرانو) مخصوصا هنگامیکه باتفاق یکدیگر میخوانند

تفنگ دولول

تهیه کننده (جان چامپیون) کارگردان (لسلی سلاندر)

سناریو از (کلارک رینولدز و رودی کالهن)

بازیکنان

استرلینگ هیدن (کلی) ایوون دو کارلو (ای) زاخاری اسکات (رب)

نمونه بارزی است از محصولات بنجل هالیوود. لسلی سلاندر با امیدانه سعی میکند که فیلم خود را از ابتذالی که آنرا فرا گرفته نجات دهد اما جز نشان دادن ذوق و سلیقه مختصری از خود در مقصود اصلیش توفیق نمی یابد

چند هنرپیشه بازنشست که از سایر کمپانیها رانده شده‌اند در اینجا میدان را برای خودنمائی وسیع و خالی یافته‌اند. ایوون دو کارلو که هنوز ایام «پر افتخاری» را که در کمپانی یونیورسال گذرانده از یاد نبرده برای دستیابی بآنچه از دست داده بشیوه ستارگان فرانسوی حاضر است خیلی چیزها بتماشاچیان عرضه نماید ولی متاسفانه آئین نامه اداره سانسور آمریکا نمیگذارد خانم دو کارلو از یگانه اسلحه‌ای که برای جلب انظار در دست دارند بنحو دلخواهشان استفاده نمایند

برای زاخاری اسکات هم که زمانی در فیلمهای جنائی و وسترن وارنر شهرتی بهم زده بود از قرار معلوم سناریست باتوصیه و سفارش نقشی در نظر گرفته که ایشان هم افتخار شرکت در این «اثر» را داشته باشند. استرلینگ هیدن هم یکه تاز فیلمی است که بیهوده شروع و بنحو مضحکی خاتمه می یابد.

آتش زیر خاکستر

تهیه کنندگان (ایروینگ الن و آلبرت ر. کولی) کارگردان (رابرت پاریش) سناریست (ایروین شا)

بازیکنان

ریتاهیورث (ایرینا) رابرت میچم (فلیکس) جک لمون (تونی)

در نخستین فیلمی که از رابرت پاریش در اینجا بنمایش درآمد (دشت ارغوانی) او خود را یک استاد هنر سینما معرفی کرد ولی برای دادن یک نظر قطعی در مورد ارزش کار او لازم بود آثار دیگری نیز از او دیده شوند.

با مشاهده «آتش زیر خاکستر» باید گفت پاریش را میتوان تکنیسین برجسته‌ای محسوب کرد ولی هنوز کارگردان کاملی نیست و کار او نکات ضعف عمده‌ای در بر دارد

از همان آغاز فیلم با قطع و وصل استادانه پلان‌ها و استفاده بجا از حرکات دوربین پاریش نشان میدهد که فرم سینما را شناخته و بآن کاملا مسلط است اما باید اعتراف کرد که هرگاه پاریش کارگردان «فرم» برجسته‌ایست کارگردان «مضمون» خوبی نیست. فیلم او معنی در بر ندارد و هیجان و اضطرابی که در تماشاچی بوجود میآورد کاملا سطحی و ظاهری است. کاراکترها و پرسوناژهای مختلف فیلم هیچیک

مشخص نیستند وروحیه واقعی آن‌ها تاپایان نامانوس وغیرقابل درك باقی میماند.

ولی باوجود این باریش آینده درخشانی درپیش دارد وبعید نیست روزی اوهم همان موقعیت واعتباری را بدست آورد که اینك ناظرین امر برای رابرت آلدریچ قائل‌هستند

«آتش زیرخاکستر» یك‌فیلم صددرصد تجارتی اما سرگرم کننده وجالب است . جریان‌بااینکه دارای آنتریك مبهم‌وناتازه‌ای ضعیف است تماشاچی رااز‌همان ابتدا برای آگاهی بنتیجه آن‌علاقمند میسازد . بازی هنرپیشگان درخورتوجه است . بهترین بازی فیلم را جك لمون ارائه میدهد .

رابرت‌میچم برخلاف نظرمنتقد مجلهٔ تایم‌گویا داردکم کم «بیدار» میشود . درصحنه‌ایکه برای نجات لمون پیش اومیرود و خابق‌را باواعتراف‌میکند ثابت مینمایدکه چیزی درچنته دارد.

پرفورمانس ریتاهیورث باخصوصیات جدیدی که دربردارد تماشاچی راجلب میکند ودراونسبت باین‌زن ازدست رفته حس‌سمپاتی برمیانگیزد . هیورث دراینجا زنی‌است که درزندگی شکست‌خورده‌او خودرا زنی‌میداندکه بترحم اطرافیان‌خود احتیاج دارد . و این گویا حقیقتی است که خانم هیورث (پرنسس سابق) حتی درزندگی حقیقی نمیتواند انکار نماید .

فیلمبرداری مخصوصا رنك‌آمیزی یکی ازامتیازات برجسته فیلم بشمارمیرود وهرگاه هنگام توزیع جوائزاسکارامسال آقای‌دزموند دیکنسون افتخاراتی بدست‌آورند مایه تعجب نخواهد بود .

باغ شیطان

تهیه کننده (چارلز براکت) کارگردان (هنری‌هاتاوی)

سناریست (فرانك‌فنتون) فیلم‌بردار (میلتون کراسنر)

بازیگنان :

گاری کوپر (هوکر) سوزان هیوارد (له‌آمولر)

ریچارد ویدمارك (فیسك) هومارلو (جان‌فولر)

کامرون‌میچل (لوك‌دالی) ریتامورِه‌نو: (خواننده)

سه جوان مسافر بعلت آنکه کشتی مسافر بری بتعمیر احتیاج دارد در بندر ناشناسی واقع درمکزیك پیاده میشوند. زنی که شوهرش درمعدن طلا زیرآوار مانده بآنها رجوع مینماید وآنها باتفاق یك جوان مکزیکی بطمع طلاها ولی ظاهرا باگرفتن مبلغی پول از زن برای کمك بشوهرش بدنبال اوراه میافتند .

فرانك فنتون سناریست مانند راسین قهرمانان خود را در مقابل وسوسه های شیطانی قرارمیدهند‌زنی زیبا، تنها در معدنی متروك که از دست شوهرش هم‌کاری ساخته نیست و معدنی ازطلا بدون صاحب در مقابل چهار مرد قرارگرفته . فنتون‌عکس‌العمل این چهار مرد را مورد مطالعه قرار میدهد

«هوکر» مردی است ازجان گذشته ، سرد و گرم چشیده و فداکار . او زمانی کلانتر بوده لذا عادت دارد بهرنوع خدمت کند . بزن چون شوهر دارد چشم ندارد . بطلا تاآنجاکه پای جان کسی‌در پیش است علاقه ندارد . او همان موجودی است‌که راسین قهرمانش مینامد . «فیسك» مردی است‌آرام، مردم شناس وفداکار او قمار باز است لذا عادت دارد همیشه ساکت وخاموش بماند بزن جوان علاقه دارد اما عشق خودرا برزبان نمیآورد . ازطلا بدش نمیآید اماخوش دارد گاهگاه درزندگی ریسك کند ..... اما چون بیش ازیك دختردر جریان‌نیست‌وجودش‌اندکی‌مزاحم است بهمین‌جهت فنتون‌وضعی رایش میآوردکه شر اوراکم کرده وجاده‌را برای رسیدن «هوکر» و«له‌آ» بیکدیگر هموار سازد .

«لوك» مردی است‌ترسو، شهوت ران وطماع . او مردی را ازپشت سرکشته لذا عادت دارد همیشه بدوستان خود خیانت کند سعی میکند بزن دست درازی کند و برای دستیابی طلاها شوهر او را بکشتن میدهد . او یك کاراکتر منفی است و باید ازبین برود .

مرد مکزیکی نیز احمق، ساده ودارای روحیه‌ای غیرقابل‌درك است لذا زنده‌ماندن یامردن او چندان اهمیتی ندارد . چه بهتر که برای مهیج کردن ماجری قربانی شود .

بازی هنرپیشگان همگی جالب است . هنری‌ها تاوی خود را کارگردان مسلط و مجربی نشان میدهد . موزیك متن خسوب تنظیم شده ودر تشدید هیجان صحنه‌ها کاملا موثر واقع میشود .

«باغ شیطان» روبهمرفته فیلم تجارتی خوبی است

گشایش یك سینمای جدید

سینما سُهیلا

شرکت «آشنا» افتتاح (سینما سهیلا) لوکس ترین و مجهزترین

و قشنگترین سینمای تازه‌ساز پایتخت را بعنوان مهمترین خبر و حادثه بزرك سینمائی

سال ۱۳۳۶ باطلاع علاقمندان میرساند

با گشایش سینما سهیلا «در محل سابق سینما مایاك» یك جنبش تازه‌ای از لحاظ

نمایش بهترین و پرارزش ترین آثار سینمائی جهان در ایران بوجود خواهد آمد

(سینما سهیلا) با نمایش برنامه‌های مخصوص خود انقلاب بدون سابقه‌ای در تهران

ایجاد خواهد نمود

همانطور که در گذشته صحت ادعای ما درباره «سینما سعدی» ثابت شده‌است باتوجه باعتماد و علاقه‌ای که تاکنون دوستداران فیلم و سینما نسبت به‌فیلم‌های انتخابی شرکت «آشنا» نشان داده‌اند بما اجازه میدهد بدینوسیله صریحا اعلام نمائیم که‌در آینده «سینما سهیلا» همواره نمایش دهنده عالی ترین آثار بزرك سینما شناخته خواهد شد

آینده یکبار دیگر ثابت خواهد کرد ما در تشخیص

خود اشتباه نمیکنیم

ASHAR.M.CO

شرکت سهامی «آش.ن.ا.»

از جمله برنامه‌های انتخابی سینما سهیلا - بزرگترین و مشهورترین آثار سینمائی جهان

آخرین و عالی‌ترین و قشنگترین فیلم ستاره طناز و محبوب . بریژیت باردو
عروس خیلی خوشگله LA MARIEE EST TROP BELLE
باشتراک: لوئی ژوردان - میشلین پرل

پرارزش‌ترین اثر صنعت سینمای ایتالیا - بزرگترین فیلم ستاره معروف : سوفیالورن
دختر رودخانه THE RIVER GIRL «رنگی» باشتراک ژرارداوری - لیز بوردن - ریک باتاگلیا

جدیدترین شاهکار زیباترین هنرپیشه جهان روسانا پودستا

ASH.N.A.CO

برنامه افتتاح سینما سهیلا
یک شاهکار بزرگ هنری
دختری دیدم
رنگی - دوبله بزبان فارسی خراسانی (محصول - ۱۹۵۷)
باحفظ اصیل ترین آهنگها و آوازهای شرقی و ایرانی
با بهترین رقصها و بالتهای تاجیک و ترکستانی
بصورت یک داستان فوق العاده جذاب عشقی
برای اولین بار در ایران باخصو
هنرپیشه های فیلم و شرکت رقص
و آواز دسته جمعی گروه هنرمندان
تاجکستان